

بررسی مبانی نظری خدمات عام‌المنفعه در مقام جایگزین مجازات حبس

فاطمه دولتشاهی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

علی آرمان

استادیار گروه حقوق، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

حجت‌اله غمنیری

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان: «مبانی نظری خدمات عام‌المنفعه در مقام جایگزین مجازات حبس» در نظر دارد تا به روش تحلیلی - توصیفی ضمن تعریف دقیق «مفهوم جایگزین‌های حبس» و شرح مختصری از تاریخچه‌ی امور عام‌المنفعه در قوانین جزایی ایران، به ویژگی‌های مثبت «مجازات جایگزین» پرداخته و فواید آن را برای بزه‌کار، بزه‌دیده و جامعه مورد تحلیل قرار دهد و بدین طریق قانونگذار - به ویژه قضات سنتی - را وادارد تا با توجه به ضرر و زیان‌های غیرقابل برگشتی که مجازات‌های حبس (مخصوصاً حبس‌های کوتاه مدت) در پی دارند، خاطی یا مجرم را مشمول انجام اشکال مختلف «امور عام‌المنفعه» به جای «حبس» یا «زندان» نماید. آنچه از این جستجو به دست می‌آید نشان می‌دهد که: خدمات عمومی رایگان و عام‌المنفعه به جای حبس از سال ۱۳۹۲ هـ. ش وارد ادبیات قضایی ایران گردید. در این نوع مجازات‌ها که مطابق قانون بایستی با رضایت مجرم (در انتخاب «کار» یا «حبس») انجام پذیرد، فرد می‌تواند با قبول مدت معینی کار در سطح اجتماع، تاوان جرم خود را پرداخت نماید و ضمن رستن از توابع زندان، برای خود و جامعه نیز مشمر واقع شود. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که مجازات‌های اجتماعی (= مجازات‌های جایگزین)، ضمن این که می‌تواند پاسخی مناسب در روزگار حاضر، مبنی بر بالا رفتن جمعیت - و به تبع آن افزایش جمعیت کیفری - باشد، نه تنها از به هدر رفتن مالیات مردم جلوگیری کرده و برای دولت‌ها سودآوری داشته باشد، از خدمات رایگان مجرمین نیز در جهت آبادی جامعه بهره‌برداری نماید. حفظ کرامت انسانی مجرمین (و برچسب زندانی نخوردن به آنها) و نیز جنبه‌های کار و مهارت آموزی و از همه مهم‌تر پیشگیری از آسیب‌های جسمی و روحی بزه‌کار که در آینده می‌تواند برای خود و جامعه خطرات بیش‌تری به همراه داشته باشد، از مزیت‌های دیگر «مجازات‌های اجتماعی به جای حبس» است.

واژگان کلیدی: جایگزینی، خدمات عام‌المنفعه، مجازات حبس، حقوق جزایی ایران.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر نظام قضایی، مجازات‌های آن می‌باشد که فراهم کننده نظم در جامعه و واکنش در مقابل اعمال مخل نظم اجتماعی است، از جمله این مجازات‌ها، حبس می‌باشد. حبس یکی از مجازات‌های رایج در اکثر نظام‌های حقوقی است، این نوع مجازات از بدو اسلام تا امروز به اشکال مختلف اجرا می‌شود. (مجلسی، ۱۳۹۰: ۲۲). در این راستا در ایران، سیاست جنایی در طول دوران تقنینی، قضائی، اجرایی خود مبتنی بر جرم انگاری افراطی و سزادهی محض بوده، که به تبعیت از سایر نظام‌های کیفری در گذشته‌های دور مجازات‌های شدید بدنی به عنوان یگانه راهبرد و واکنش اجتماعی علیه جرم به کار می‌رفته است. با گذشت زمان و افزایش جمعیت کیفری، باز دارنده نبودن مجازات حبس، سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران را بر آن داشت تا مجازات‌های جایگزین حبس را در دستور کار خود قرار دهد. اقدام قانون‌گذار در پیش بینی مجازات‌های جایگزین حبس، نقطه عطفی در نظام قانون‌گذاری ایران محسوب می‌شود.

از طرف دیگر رفتار پلیس و قضات، نسبت به مظنونان و متهمان موجب تعامل «برچسب زنده» و «انگ‌زننده» می‌شود و برخوردهای سلیقه‌ای پلیسی - قضایی؛ بزهکاران بی سابقه را به دنیای بزهکاری و کسب «هویت» مجرم سوق می‌دهد (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۶: ۳۲). برای برون رفت از این معضل و دوری از آثار روانی و مادی مخرب زندان، جایگزین‌های حبس، مخصوصاً کار عام المنفعه در سیاست جنایی کشورهای مختلف؛ نمود پیدا کرده است که قانون جدید مجازات اسلامی ایران نیز از این امر تأثیر پذیرفته است. خدمات عمومی رایگان، نهادی است که به موجب آن، دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌کند تا با انجام کاری به نفع جامعه - به جای رفتن به زندان - درصدد جبران خطای مرتکب شده برآید، البته برای مدتی معین و به صورت رایگان و در مکان مشخصی که از ناحیه دادگاه تعیین می‌شود. این شیوه از مجازات هم مناسب به حال متهم و هم مناسب به حال جامعه است، چرا که هدر رفتن نیروی انسانی در زندان باعث عدم رشد اقتصادی نیز می‌گردد. نیازهای اجتماعی می‌تواند پایه و اساس طبقه بندی خدمات عمومی قرار گیرد. در این صورت انواع خدمات عمومی به شرح ذیل قابل دسته بندی است:

خدمات تحصیلی و آموزشی از طریق مؤسسات عمومی نظیر مراکز آموزشی پیش دبستانی، متوسطه و... تا مؤسسات آموزش عالی. در مورد خدمات عام المنفعه ذکر این نکته ضروری است که صدور آن منحصر به مرحله‌ی دادرسی نیست و در مراحل پیش دادرسی و همچنین اجرای احکام نیز قابل صدور است. در دادسرا که دادستان مأمور تعقیب متهمین است، می‌تواند با قراردادی که با متهم می‌بندد، وی را به انجام خدمات عام المنفعه الزام نماید و در ازای آن، از تعقیب وی صرف نظر نماید. کشورهای پیشرفته اکثراً از این شیوه جهت مجازات و تنبیه مجرم استفاده می‌کنند و موفقیت چشم‌گیری نیز در این زمینه داشته‌اند. باید گفت متأسفانه تاکنون در حقوق کیفری ایران راجع به مجازات خدمات عمومی قوانین و مقرراتی نداشته‌ایم که قاضی بتواند بر اساس آن قانون، مجرم را به این مجازات محکوم نماید. اما در عمل (یعنی: آرای محاکم و طرح‌های انجام شده از سوی سازمان زندان‌ها) مواردی دیده می‌شود که بیان‌گر توجه قضات و مسئولان به این مجازات می‌باشد. تنها آیین‌نامه‌ی مربوط به: نحوه‌ی اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس (مصوب ۱۳۹۸/۲/۳) در خصوص خدمات عمومی رایگان حسب مواد ۲۶ الی ۳۶، به عنوان یکی از مجازات جایگزین حبس به شرح ذیل مقرر داشته است.

ماده ۲۶ - نحوه اجرای خدمات عمومی رایگان به موجب آیین‌نامه‌ی اجرایی ماده ۷۹ قانون (مصوب ۱۳۹۳/۶/۵) هیات وزیران و مقررات این آیین‌نامه می‌باشد.

پرسش تحقیق

پرسش اصلی تحقیق عبارت از آن است که: مبانی نظری خدمات عام‌المنفعه در مقام جایگزین مجازات حبس را چه مؤلفه‌هایی تشکیل می‌دهد و ساز و کار بومی‌سازی این مؤلفه‌ها جهت اجرا در ایران چگونه است؟

فرضیه تحقیق

مبانی نظری خدمات عام‌المنفعه در مقام جایگزین مجازات حبس را مؤلفه‌هایی چون: نامناسب بودن محیط زندان، اصلاح مجرمان، بازدارندگی مرتکب (مجرم)، بازپذیری مجرم و... تشکیل داده و بر پایه‌ی همین مؤلفه‌ها می‌توان به تحلیل فواید خدمات یاد شده پرداخت و آن را جهت توسعه و بهینه‌سازی قوانین جزایی کشور و در نهایت اصلاح جامعه به قانونگذار پیشنهاد کرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

آنچه اهمیت و ضرورت بررسی و تحلیل موضوع این جستار را بیان می‌کند اصلاح و تکمیل قوانین جزایی کشور و نیز حبس‌زدایی به منظور اصلاح افراد و جامعه جهت توسعه پایدار و همه‌جانبه است.

پیشینه تحقیق

- طبق نظر دکتر نجفی ابرندآبادی، در مقاله‌ای با موضوع «جایگزین‌های حبس» در سال ۱۳۸۳؛ جایگزین‌های حبس برای نخستین بار در کنگره پیش‌گیری از وقوع جرم در لندن (۱۸۷۶) مطرح شد، ولی پیگیری تحقق برنامه‌های اجرایی آن عمدتاً به سال‌های پس از جنگ دوم جهانی و تأسیس سازمان ملل متحد باز می‌گردد. سپس به سیر تکاملی این جایگزین‌ها توجه می‌نماید و در نهایت نتیجه می‌گیرد که: در ایران اگر چه این سیر تکاملی طی نشده است ولی باتوجه به عرف بین الملل حقوقی و مزایای اثبات شده آن‌ها، بهتر است این روش‌های تکامل یافته نیز در ایران تحقق یابند.

- در پژوهش دیگر دکتر نجفی ابرندآبادی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «کارعام المنفعه»، در سال ۱۳۹۲، بیان می‌دارد: در گذشته‌های بسیار دور، ضمانت اجراهای کیفری در قالب مجازات‌های شدید بدنی و ترذیلی اعمال می‌شد. در این دوره، مجازات‌ها بر پایه انتقام و سرکوبی بزهکار استوار بود و به شکل مجازات‌های بدنی قهرآمیز، به ویژه اعدام و سایر مجازات‌های غیرانسانی اعمال می‌گردید. هرچند مجازات حبس از عهد کهن وجود داشته است، ولی به دلیل استفاده محدود و جزئی در ردیف مجازات‌های شایع آن اعصار به حساب نمی‌آمد، با وجود این با گذشت زمان به تدریج به عنوان مجازات، وارد زرادخانه‌های کیفری شد. در ابتدا، جایگزین کیفر حبس به جای مجازات‌های بدنی شدید، علی‌رغم وضعیت نامناسب و رقت بار زندان‌ها به لحاظ تعدیل شکل مجازات، بسیار امیدوار کننده بود؛ ولی به مرور زمان به دلیل عدم توجه به وضعیت زندان‌ها، بالا رفتن آمار زندانیان و پدیده حرفه‌ای شدن محکومین به حبس، این امیدواری به یأس مبدل شده است.

- همچنین دکتر نجفی ابرندآبادی در مقاله‌ی «بررسی قانون مجازات اسلامی جدید»، در سال ۱۳۹۲؛ ضمن بررسی فصل نهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲؛ با عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» بیان می‌کند: این قانون، در واقع مقررات «لایحه مجازات‌های اجتماعی» است که به پیشنهاد قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۸ به تصویب هیأت وزیران رسید و در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۷ تقدیم مجلس شورای اسلامی برای بررسی و تصویب داده شد. در مجلس شورای اسلامی عنوان این لایحه به «مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» تغییر داده شد و در نهایت چون حقوق‌دان‌ها به این عنوان ایراد گرفتند در قانون مجازات اسلامی به «مجازات‌های جایگزین حبس»، تغییر داده شد که به همین عنوان نیز ایراداتی وارد است؛ چون طبق مواد این فصل سیاست جنایی «شلاق‌زدایی» نیز علاوه بر حبس‌زدایی در پیش گرفته شده است و ثانیاً «اجتماعی بودن» را از عنوان آن حذف نموده‌اند.

- دکتر محمد آشوری نیز در کتاب جایگزین‌های زندان با مجازات‌های بینابین (۱۳۸۵) چنین گفته: اقدام‌های ناظر به جایگزین‌های زندان ممکن است ضمن برآورده کردن هدف‌های عدالت کیفری، هزینه‌های مادی و معنوی اجرای مجازات زندان را کاهش دهند. در این اندیشه، به زندان به مثابه و آخرین حربه، نگریسته می‌شود و تا هنگامی که دیگر شیوه‌های کیفردهی دسترس پذیر و سودمند باشند، توسل به زندان ناموجه تلقی شده است. این جایگزین‌ها از نظر تاریخی ابتدا با «جایگزین‌های زندان‌های کوتاه مدت» وارد قلمرو نظام کیفری شدند، زیرا مشخص شد که چنین کیفری نه تنها توانایی اندکی در بازسازی و اصلاح مجرمان دارد، بلکه موجب بروز فساد و فراهم کردن عوامل و زمینه‌های ارتکاب جرم از سوی زندانیان می‌شود. ولی جایگزین‌ها به تدریج توسعه یافتند و در قوانین

جزایری کشورهای مختلف وارد شدند. برخی از آن‌ها به شکل جایگزین حبس دست قاضی را باز گذاشتند تا به جای کیفر حبس به آن‌ها توسل جوید و برخی دیگر به شکل مستقل یک نوع مجازات تلقی شده و بر فهرست کیفرها افزوده شدند. پاره ای از اقدام های کیفری را که از روش های تعویق یا انصراف از کیفر حبس محسوب می شوند نیز می توان از جمله جایگزین ها دانست.

بحث و بررسی

مفهوم جایگزینی حبس

حبس به عنوان کیفر در تاریخ تحولات حقوق کیفری یعنی نیمه دوم قرن هیجدهم همواره به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر وجود داشته است.

حبس در لغت فارسی (ح-ب-س) ریشه در معنای مانع شدن از آمد و شد به کار رفته است. در فارسی به معنای یکی کیفر آزادی و محل نگهداری محکوم به چنین کیفری یعنی معدل زندان به کار می‌رود. در فرهنگ معین حبس به معنی زندانی کردن و باز داشتن آمده است. سجن یا حبس عبارت است از مکانی که در آن محکوم ارتکاب گناهان و جرایم موجب زندان که خود به ارتکاب آن اعتراف کرده یا متهمانی که به اتهام وارده اعتراف نکرده، زندانی می شوند. (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۵: ۳۴)

در معنای اصطلاحی حبس چنین تعریف شده: سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود، به طوری که در آن حالت ترخیص وجود نداشته باشد و اگر حالت انتظار وجود داشته باشد آن را توقیف گویند نه حبس.

حبس یکی از انواع مجازات هاست که به موجب آن آزادی محکوم از وی سلب می شود. کلمه حبس به معنی تضییق و مخلوط کردن شخص مجرم. از این رو حبس را منحصر به زندان ننموده اند و هر نوع ایجاد محدودیت و تحت نظر بودن شخص مجرم را، محبوس شدن تلقی کرده اند. که نه تنها شامل بازداشت موقت بلکه حالات متخلف محدود کردن شخص در خانه خود و اماکن عمومی و همراه شدن با مامور را شامل می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۳: ۲۰۸)

قرآن کریم در مورد حبس چنین می فرماید: «تحبسونهما من بعد الصلاه فی قسمان با الله ارتبتم»

شاهدان را نگه دارید، اگر از آن‌ها (دو شاهد) بدگمانی تا بعد از نماز آن‌ها را سوگند دهند که ما به حق شهادت می دهیم. (مائده / ۱۰۶)
«و ائن اخرنا عنهم العذاب الی امه معدوده ليقولون ما یحبسوا» اگر ما عذاب را از آن منکران معاد تا وقت معین به تعویق اندازیم آن‌ها به جای آن که توبه از گناه کنند، تمسخر و استهزاء کرده و گویند چه موجب تأخیر عذاب شده بود. (هود / ۸)

مجازات های جایگزین به عنوان یک مکانیسم و بازار مناسب می باشد و در قوانین موضوعه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و این مجازات ها را می توان با توجه به شخصیت مجرم به کار گرفت و از این مجازات ها به نحو احسن بهره جست. با اعمال این مجازات ها، هم شخص مجرم متنبه شده و از کرده ی خود پشیمان شده و در بازسازی و اجتماعی شدن وی تأثیر به سزایی داشته و هم ضرر و زیان متضرر از جرم تا حدودی جبران شده و با اعمال این گونه از مجازات، تسلی خاطر وی حاصل می شود.

«مجازات های جایگزین حبس به مجموعه ای از ارزیابی ها، راه حل ها، تصمیم گیری ها و خدماتی اطلاق می شود که حوزه های قضایی جهت جانشین نمودن حبس و زندان برای افراد محکوم و بزه کار در نظر می گیرند و محکومین تحت نظارت، شرایط و قواعد از پیش تعیین شده به جای تحمل کیفر زندان، به ارائه ی خدمات عام المنفعه به منظور جبران خسارت وارده به قربانیان جامعه می پردازند. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۷۹)

یا در تعریفی دیگر می توان مجازات های جایگزین حبس را این گونه تعریف کرد: مجازات جایگزین حبس عبارت است از روش ها و تدابیری که از سوی مقنن برای جانشینی مجازات حبس و دست یابی به اهدافی از جمله کاهش جمعیت کیفری زندان، جلوگیری از افزایش بی رویه ارتکاب جرم و تکرار آن، اصلاح و بازپروری مجرمینی که مرتکب جرایم سبک می گردند و... در خصوص محکومان اجرا و اعمال می گردد.

هدف از جایگزینی حبس:

ناکامی و شکست زندان در توفیق به اهداف پیش گیرانه، بازپرورانه و زمینه بروز و تشدید بحران تورم جمعیت کیفری را فراهم نموده است. این امر از دیر زمانی است که ذهن متصدیان نظام های عدالت کیفری و به ویژه متولیان امر زندانبانی را در سر تاسر جهان به تحرک و تجسس وا داشته است. لذا از این رو، طرح اندیشه های جایگزین زندان و مکانیسم های کاهش جمعیت کیفری با رویکرد های نوین به مقوله زندان و زندانبانی، به عنوان الگویی کارساز و فایده مند جهت برون رفت از این معضل مورد استفاده و ضمان عرصه سیاست جنایی قرار گرفته است. عنوان کیفری مجازات حبس که برای نخستین بار در قانون جدید اسلامی سال ۱۳۹۲ به کار گرفته شده یکی از تحولات و رویکرد های نوین این مجموعه قانونی است و وسیله ای است که می تواند علاوه بر تدابیری که قانون گذار برای متوقف ساختن مجازات به طور مشروعا از طریق نهاد تعلیق مجازات و آزادی مشروط به کار گرفته است، در باز پروری مرتکبین موثر باشد.

(۱) نامناسب بودن محیط زندان

مخالفتان کیفر حبس معتقدند که زندان در عمل به یک محیط جرم زا و مجرم پرور تبدیل شده است و این دلایل را ذکر می کنند: اولاً، زندان مکانی است برای آماده کردن و انتقال متون ارتکاب بزه طی مدتی که زندانیان در یک جا با هم در ارتباط می باشند. به عبارت دیگر همان پدیده فرهنگ پذیری از زندان مد نظر است. (گودرزی و الوندی، ۱۳۸۲: ۱۱۲) با این عنوان که در مرحله اول برای خود زندانی، زیرا محکومی که به خاطر ارتکاب جرم کم اهمیت به زندان رفته و ممکن است در اثر تماس با بزه کاران حرفه ای داخل زندان به مجرم حرفه ای تبدیل می شود. به همین خاطر زندان موجب ارتقای کیفیت جرایم می شود چرا که هر چه تراکم زندانیان بیش تر باشد مقدار یادگیری شگردها و حیل های بزه کاری نیز بیش تر می شود. در وهله دوم: نسبت به سار افراد جامعه، زیرا زندانی با آزاد شدن موجب انتقال فرهنگ و متون مجرمانه به سایر عموم افراد جامعه می شود و پدیده ای بنام فرهنگ پذیری از زندان، ممکن است نسبت به عموم افراد جامعه نیز رخ دهد و افراد زیادی به سمت ارتکاب بزه با الگو و فرهنگ پذیری از زندانی سوق پیدا می کنند. بنابراین در جرم شناسی های معاصر نظریه ای به عنوان «فرهنگ پذیری زندان» مطرح شده است که گونه های فرهنگ زندان در طول اقامت در حبس بر شخصیت و رفتار زندانیان تاثیر می گذارد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۳۷۶)

ثانیاً، زندان مکان مناسب برای ارتکاب خشونت و ستیزه جویی می باشد. این خشونت و ستیزه جویی ممکن است در نتیجه عمل زندانیان نسبت به هم دیگر «مثل زد و خورد، ناسزا گرفتن» باشد یا به واسطه عمل مأمورین زندان نسبت به زندانیان باشد همچنین خشونت ممکن است به واسطه اوضاع و احوال حاکم در زندان و مشکلات بهداشتی باشد. (گودرزی و الوندی، ۱۳۸۲: ۱۲۱) ثالثاً، عدم کنترل دقیق برای ورود و خروج مواد مخدر به زندان و روابط جنسی زندانیان با یکدیگر و در نهایت عدم رضایت فردی آنها از محیطی که در آن زندگی می کنند، زندان را به محیطی جرم زا تبدیل کرده است. به عنوان مثال زندان چون که مانعی بر سر راه ارضای غریزه جنسی می باشد موجبات بروز انحرافات جنسی را فراهم می کنند که بیانگر مجرمانه و مجرم پرور بودن محیط زندان می باشد. (مقصودی، ۱۳۹۲: ۵۸)

بنابراین کیفر حبس دیگر امروزه کارایی ندارد و اثرات زیانبار آن بیش تر از فواید و منافع اجرایی آن است. به همین دلیل جایگزین های مناسب برای کیفر حبس پیش بینی شده است تا این که جایگزین ها بتوانند اثرات زیانبار کیفر حبس را از بین برده یا این که از اثرات آن بکاهد.

این دلایل به بخشی از اهداف کیفر حبس بر می گردند و بیانگر این امر می باشند که کیفر حبس نتوانسته اهداف مورد نظر اصلاح و درمان و ارباب و باز دارندگی را برآورده نماید.

بخش دیگر از این دلایل بر نقش کیفر حبس و شیوه اجرای آن بر می گردد. به عبارت دیگر، محیط زندان و قیود و شرایط حاکم بر آن جرم زا بودن زندان، هزینه های اقتصادی، مشکلات بهداشتی و روانی، باعث می شود تا مخالفان به فکر ایجاد روش های جایگزین مناسب برای کیفر حبس باشند. این ها باعث می شود تا مخالفان که کیفر حبس نتواند آن رسالت و اهداف مورد نظر را برآورده نماید.

مثال: جرم زان بودن محیط زندان و تراکم جمعیت و کمبود فضا باعث شکست برنامه اصلاح و درمان در زندان می باشد. عده ای دلایل عملی عدم مشروعیت مجازات حبس که از سوی مخالفان ارائه شده است ذیلا مورد بحث قرار داده اند:

الف: شکست مجازات حبس در دستیابی به اهداف: مجازات ها از اهدافی برخوردار می باشند که از جمله آن ها عبارتند از: ارعاب و عبرت انگیزی و پیش گیری از جرم به طور خاص و عام و باز سازی مجدد مجرم در جامعه. (تمجید، ۱۳۸۱: ۹۸)

مخالفان کیفر حبس معتقدند که این مجازات نتوانسته است اهداف فوق را برآورده سازد.

ب: ناتوانی در پیش گیری: جرم یکی از اهداف مجازات ها، ارعاب و بازدارندگی می باشد. منظور از جنبه های پیش گیرانه و سودمندانه کیفر می باشد. به این معنا که آن کیفر، چنان ترس و واهمه ای را ایجاد کند که در وهله اول، نسبت به خود مرتکب است تا تمایل به ارتکاب مجدد بزه را در او از بین ببرد و در وهله دوم، نسبت به عموم افراد جامعه که جرم بزه کاران بالقوه می باشد و ممکن است به تقلید از بزه کار اصلی به دامن ارتکاب جرم روی آورند. تعبیر جلوگیری از اندیشه ارتکاب مجدد جرم از سوی مرتکب را پیش گیری خاص و جلوگیری از ارتکاب جرم به تقلید از بزه کار را پیش گیری عام می نامند. این که آیا کیفر حبس توانسته است این هدف ها و مجازات ها را برآورده سازد یا نه به درستی معلوم نیست. (بولک، ۱۳۷۲: ۳۱)

آمارها نشان می دهد که کیفر حبس در برآورده کردن این هدف موفق نبوده است و هم چنان که می بینیم که نه تنها عموم افراد از ارتکاب جرم دست نکشیده اند بلکه هم چنان بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرار کنندگان جرم تشکیل می دهند و هر سال به این تعداد افزوده می شود.

ج: شکست برنامه های اصلاح و درمان: یکی دیگر از اهداف مجازات ها باز پروری مجدد بزه کاران و اصلاح و درمان آن ها می باشد. اندیشه اصلاح و درمان بزه کاران و بازسازی مجدد وی یکی از آموزه های فکری مکتب دفاع اجتماع جدید می باشد. (بولک، ۱۳۷۲: ۳۲)

اصلاح مقصر با این هدف است که دوباره به راه خطا باز نگردد.

۲) اصلاح مجرمان

از آن جا که هدف از مجازات در کشور ما اصلاح و تربیت زندانی است در برخی موارد می توان از مجازات های جایگزین استفاده کرد چرا که اثرات خوبی در پی خواهد داشت. اندیشه اصلاح مجرم در هدف گذاری کیفر، از نوآوری های عصر کنونی به شمار نمی رود بلکه رگه های آن را در اصول حقوق جزای قرون وسطی و حتی پیش تر از آن نیز می توان یافت.

با روی آوری به مفهوم اصلاح، یعنی بهسازی مجرم، جلوگیری از کج روی و فرو افتادن دوباره وی در گرداب تبه کاری، مجازات در این رویکرد به سان کلاس درسی است که در آن مجرم آموزش های بایسته را در راستای زندگی آشتی گونه و هماهنگ با جامعه فرا گیرد. و نیز دارویی است که نارسایی های جسمی و روحی او را درمان می نماید.

اصلاح، بهسازی خواهش های ویران گرانه در نهاد کسانی می باشد که با رفتار خود موجبات از میان بردن حقوق و آزادی های انسان ها را فراهم آورده اند. در گذشته نه چندان دور، این اقدام بدون در نظر گرفتن توانایی های شخصی و استعداد های روانی و جسمانی بزه کاران، آن هم در ساختار روش های سخت و گاهی جان کاه انجام می گرفت. ولی اینک با فردی کردن مجازات ها کوشش می شود به کار گیری شیوه های زیستی، همانند با ویژگی های هر یک از بزه کاران بار پیوند آنان با جامعه برقرار شود. (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۳۹)

تردید فزاینده در به کار بستن کیفر حبس و بهره گیری از جایگزین هایی مانند، انجام کارهای دارای سود همگانی، جریمه و محرومیت از حقوق اجتماعی، از جمله راه کارهایی می باشند که برای دست یابی به هدف اصلاح و تربیت این دیدگاه بدان روی آورده است.

درباره مجازات زندان، برخی بر این باورند که این مرکز، افزون بر بدآموزی ها، حتی در ارزیابی وضعیت مجرم، جای مناسبی نیست. اهداف و مبانی مجازات، بی گمان هر گونه چاره اندیشی در جلوگیری از رخداد جرم، منطقی در ره کار در برخورد آن به شمار می رود، تا آن جا که به باور برخی، دست یابی به سیاست جنایی موثر، تنها به درجه نخست از اهمیت قرار دادن تدابیر پیش گیرنده پیوسته است. مهم ترین رهیافت های پیش گیری از جرم عبارتند از: بهره گیری از مجازات هایی که در ردیف تدابیر تأمینی – تربیتی جای دارند، گونه خاص برخورد با مجرمان خطرناک و سرانجام، بهره جویی از شیوه های خاص اجرای کیفر. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۹۶)

بنابراین شکست برنامه های اصلاح و درمان، یکی دیگر از اهداف مجازات ها باز پروری مجدد بزهکاران و اصلاح و درمان آنها می باشد. اندیشه اصلاح و درمان بزهکاران و بازسازی مجدد وی یکی از آموزه های فکری مکتب دفاع اجتماع جدید می باشد. اندیشه اصلاح و درمان و بازپروری در اسناد بین المللی منعکس شده است. به عنوان مثال می توان به قواعد حداقل لازم الزامیه راجع به طرز رفتار اصلاحی با زندانیان مصوب ۱۹۵۵ و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره کرد که در سال ۱۳۵۴ به امضای دولت ایران رسیده و مجلس نیز آن را به تصویب رسانده است. (تمجید، ۱۳۸۱: ۹۷) مفاد همین قواعد و مقررات بود که قبل از انقلاب و بعدا توسط دولت جمهوری اسلامی ایران با تدوین آیین نامه هایی تحت عنوان آیین نامه اجرایی حبس در سال ۱۳۷۲ و سپس اصلاحیه آن در سال ۱۳۸۰ به مرحله اجرا درآمد. همه این معاهدات و مقررات و طرح های بین المللی و داخلی در جهت انسان کردن مجازات حبس و اصلاح و درمان مجرمان پیش بینی و ارائه شده بودند اما به لحاظ مشکلات و ایراداتی که بر زندان و نحوه اجرای آن وارد می باشد جنبه های اصلاحی و بازپروری آن، نه تنها نتوانسته در درمان و اصلاح بزهکاران موفق باشد بلکه نرخ تکرار جرم اتکابی توسط زندانیان بعد از آزادی از زندان افزوده شده است. در توجیه این امر به نظر می رسد که اصلاح و بازسازی در محیط بسته و تحت اجبار کارایی های لازم را نداشته و زندان با هر کیفیتی که باشد باز هم اثر اصلاحی آن نسبت به اصلاح و بازسازی در اجتماع کم تر است.

۳) بازدارندگی مرتکب (مجرم)

یکی از دلیل هایی که قانون گذار در انتخاب مجازات ها به نوع و شدت و ضعف آن توجه دارد ایجاد رعب و هراس در مردم است. معنای ترساندن مرتکب یا دیگران از تکرار یا ارتکاب جرم در نتیجه اعمال کیفر بر یک مرتکب، به عنوان یکی از اهداف کیفر یاد شده است در یک تحلیل دقیق تر، شاید بهتر باشد که ارباب را یک شیوه یا ابزار برای رسیدن به هدف کلی کلان یعنی پیش گیری یا کاهش جرم نامید. (نیکبخت، ۱۳۹۳: ۵۶)

همین ویژگی راهنمای قانون گذار در مجازات اعمالی است که بیشترین اختلال را در نظام اجتماعی پدید می آورد. مایه تشویش اذهان عمومی است. قانون گذار با این تصور که ترس از مجازات سنگین ممکن است بزهکاران احتمالی را از اندیشه های شرورانه منصرف کند، با اجرای آن امیدوار است درس عبرتی به آنان داده باشد. (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۱۲۸)

همچنین از دلایل وضع و اجرای مجازات ها آن است که با ایجاد ترس در توده مردم، مانع می شود که افراد دیگر (غیر از مجرم) در آینده مرتکب جرم شوند. بنابراین ارباب عام یعنی تأثیر مجازات بر دیگران، یعنی افرادی غیر از مرتکب که ممکن است به فکر ارتکاب جرم باشند یا بعداً چنین فکری در آنها ایجاد گردد.

۴) بازپذیری مجرم

رویکرد بازپذیری مجرمان به منظور جلوگیری از تکرار جرم است. هدف در زمینه اصلاح مجرمان به منظور جلوگیری از تکرار جرم، است می توان ضمن بازسازی شخصیت مجرمان آنها را برای زندگی اجتماعی سالم آماده کرد. در بازجامعه پذیری مجرمان که همان دوباره اجتماعی شدن است، سعی می شود با اصلاح شیوه ها، داده ها و منابع باز پذیری اولیه، مجرمان در مسیر صحیح زندگی اجتماعی قرار گیرند، تا از این طریق الگوهای صحیح زندگی کردن در اجتماع را کسب نموده و به مدد آنها بدون ارتکاب مجدد جرم به زندگی عادی اجتماعی بپردازند.

بازپذیری و اصلاح مجرم به معنای تغییر عادت های ذهنی و رفتاری مجرم است به نحوی که او مجدداً مرتکب جرم نشود. طرق آشتی بزهکار و انطباق وی با جامعه در حقوق جزا و جرم شناسی با یکدیگر متفاوت بوده و هر کدام به نوعی آن را مورد بررسی قرار داده اند هر چند که در دوران های کهن مجازات با هدف ارباب انگیزی اعمال می شد ولی کارایی واقعی آن برای بازسازی مجرم و ورود مجدد وی به اجتماع توسط اکثر حقوق دانان زیر سوال رفته و مجازات های بی رحمانه به منظور ترساندن بزهکاران احتمالی و جلوگیری از تکرار جرم توسط مجرمین تأثیری در حجم و نرخ بزهکاری نداشته است. بنابراین اصلاح و بازسازی مجرم از دید حقوق کیفری،

به معنای دوباره تربیت کردن وی از طریق تنبیه است. البته هدف، بهبودی اخلاقی بزهکار نیست؛ زیرا برای حقوق کیفری، بهبود اجتماعی که مجرم سابق را به سوی پیروی از قواعد اولیه زندگی در جامعه سوق دهد؛ کافی است. بنابراین حقوق جزا سعی دارد با اعمال مجازات بزهکار را اصلاح نماید بتواند دوباره به جامعه رعایت شریاطی که در قانون مشخص شده (مواد ۳۸ الی ۴۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰) با اعمال آزادی مشروط به جامعه بازگردد.

کار عام المنفعه در نظام کیفری ایران

فرهنگ سازی برای اجرای مجازات خدمات عام المنفعه به عنوان مجازات جایگزین حبس بسیاری از افراد جامعه حبس زدایی را مترادف با آزاد گذاشتن مجرم و بی‌عدالتی دادگاه‌ها قلمداد می‌کنند. از این رو، الزم است برای عموم مردم و قضات در راستای اجرای مجازات‌های جایگزین حبس به طرقی هم‌چون: بسترسازی، آموزش، تبلیغات گسترده در رسانه‌ها و... فرهنگ سازی صورت گیرد. برای مثال در خدمات عام المنفعه، دستگاه‌ها باید با دقت انتخاب شوند تا با نوع جرم فرد تناسب داشته باشد، علاوه بر این، باید توجه شود که حضور فرد در اجتماع سبب برچسب زنی و رسوایی بیش‌تر وی نشود. مجریان و دست‌اندرکاران دستگاهی که فرد محکوم در آن خدمت می‌کند باید آمادگی الزم را برای پذیرش و حضور محکوم داشته باشند. (جاوید و شاهمرادی، ۱۳۹۴: ۲۸)

کارکردهای خدمات عام‌المنفعه براساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ (ق.م.ا)

۱) کارکرد معنویت گرایی:

مذاقه در مفهوم و منطق آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی که به تشریح و توصیف خدمات عمومی رایگان یا عام المنفعه، به عنوان مجازات بدل از حبس می‌پردازد، بر اساس اصل تبادر، اولین مفهومی که به ذهن خواننده خطور می‌کند آن است که، این مفاهیم و عناوین مندرج در آیین نامه اجرایی خدمات عمومی رایگان، گرچه در قالب کیفر بیان شده اند ولیکن همگی کارکرد معنویت گرایی و فضیلت پیشگی برای بزهکار، دارند.

۱- بند الف ماده ۲ آیین نامه بیان داشته: خدمات عمومی رایگان، باید علم محور، فرهنگ محور، دین محور، هنر محور، فن محور، مهارت محور باشند و موجب آموزش سبک زندگی معنویت گرایی و فضیلت پیشگی بزهکار شود. این عناوین مورد تقاضای قانون‌گذار اماره بر آن است که غرض قانون‌گذار از اجرای خدمات عام المنفعه توسط بزهکار، آن است که بزهکار را تبدیل به یک انسان معنویت گرا با زندگی سعادت‌مندانه و آراسته به صفات انسانی مذکور نماید. انجام خدمات عمومی رایگان به منزله یک کارخانه تصفیه کننده است که بزه، آلودگی و پلیدهای ناشی از جرم در این کارخانه زدوده شود و انسانی پاک و آراسته به فضایل معنوی بعد از طی دوران محکومیت از آن بیرون آید.

۲- بند ۲ ماده ۲۲ آیین نامه بیان داشته: خدمات عمومی رایگان، باید بهداشت محور، درمان محور، توان بخش محور، باشند و موجب بهداشتی شدن نهاد بزهکار، درمان و سلامت یافتن بزهکار و توانایی خودمدیریتی بزهکار برای یک زندگی معنوی مستقل شود. این عناوین بیان شده قانون‌گذار اماره بر آن است که غرض قانون‌گذار از اجرای خدمات عام المنفعه توسط بزهکار، آن است که بزهکار را تبدیل به یک انسان مستقل، توانمند در مدیریت خود، و سلامت یافته از تمامی آثار بیماری ناشی از بزهکاری کند. انجام خدمات عمومی رایگان به منزله یک درمانگاه مجهز است که، آلودگی ناشی از جرم در این درمانگاه دفع می‌شود و بزهکار که به مثابه یک شخص بیمار است درمان می‌شود، سلامتی خود را به دست می‌آورد و تبدیل به یک انسان کامل و توان یافته برای یک زندگی سالم و بهداشتی می‌شود.

بند پ و ث ماده ۲ آیین نامه بیان داشته: خدمات عمومی رایگان، باید حرفه محور، کارخانه محور و کارگاه محور، باشند و موجب فن سالاری و حرفه مداری بزهکار، گردد. بزهکار باید دوران محکومیت را در پایگاه‌های عمرانی نظیر راه سازی، سدسازی و ساختمان سازی بگذراند تا بعد از پایان دوره محکومیت، به یک انسان متخصص در امور فوق تبدیل شود، مبرهن است که قانون‌گذار می‌خواهد از طریق انجام خدمات رایگان در مراکز عمرانی مذکور یک انسان بزهکار را تبدیل به یک انسان متخصص و فن سالار نماید و فن سالاری و

تخصص محوری از فضایل معنوی است که کارکرد خدمات عمومی را نشان می‌دهد. هم‌چنین بند ج ماده ۲ آیین نامه موصوف اشاره به اشتغال بزهکار در دوره محکومیت به امور کشاورزی، دامداری و باغبانی دارد. در این‌جا قانون‌گذار پیش بینی نموده که ممکن است شخص بزهکار استعداد صنعت و مشاغل هوش محور را نداشته باشد و باید از قدرت فیزیکی و بدنی او استفاده کرد تا بتوان در کارگاه طبیعت و بهره‌وری او از زراعت، کشاورزی و باغداری بهره عمومی برای جامعه به عمل آید. همه این مشاغل فضیلت محورند و مورد سفارش دین و فرهنگ ایرانیان می‌باشند. در این‌جا، بزهکار در کارگاه و آغوش طبیعت مداوا می‌شود و به بشریت سود می‌رساند و در نهایت فلسفه خدمات رایگان تحقق می‌یابد.

۲) تأمین نیازهای عمومی جامعه

اندیشه خدمت عمومی در تمام دوران حکومت‌ها، حتی حکومت‌های استبدادی از جانب فلاسفه و اخلاقیون و مصلحان جامعه به زمامداران پیشنهاد شده است. مفهوم خدمات عمومی از مفاهیم راهبردی و بنیادین حقوق عمومی به شمار میرود؛ بدین جهت نه تنها کم‌تر از جایگاه مفهوم اقتدار عمومی نیست، بلکه می‌توان گفت: این دو مفهوم دوشادوش هم دو پایه غیرقابل انکار حقوق عمومی را تشکیل می‌دهند. از خدمات عمومی تعاریف مختلفی ارائه شده است؛ نقطه مشترک تمام این تعاریف، تأمین نیازهای عمومی جامعه است. بنابراین می‌توان گفت: خدمات عمومی، فعالیت‌هایی هستند که نهادهای عمومی یا خصوصی، زیر نظر اشخاص عمومی برای برآورده کردن نیازهای همگانی انجام می‌دهند و حقوق اداری به مثابه حقوق حاکم بر خدمات عمومی در این اندیشه نمود پیدا می‌کند، اندیشه‌ای که متضمن مشروعیت قدرت و دولت می‌باشد و شایستگی بقای دولت به آن وابستگی تام دارد. (رضایی‌زاده و کاظمی، ۱۳۹۲: ۲۴)

هم‌چنین خدمات عمومی عبارت است از: هرگونه امری که باید از طرف دولت تنظیم، تأمین و کنترل شود. زیرا وجود آن برای تحقق و توسعه همبستگی اجتماعی ضروری بوده و طبیعت آن به گونه‌ای است که تأمین آن به طور شایسته به وسیله دولت ممکن و میسر است.

۳) اعطای فرصت جبران خسارت اجتماعی

خدمات عام المنفعه یک فرصت است که، دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌کند تا با انجام کاری به نفع جامعه، به جای حبس، در صدد جبران خطای ارتكابی برآید. خدمات اجتماع محور نه تنها فاقد خطرات و معایب حبس است، بلکه باعث ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی می‌شود. انجام خدمات عمومی از سوی محکوم، مترادف با بیگاری و کار اجباری نبوده بلکه در جهت بازپروری و اصلاح محکوم علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت به حبس، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بازپروری، اشتغال به کارهای عام المنفعه و نیز جبران خسارت‌هایی است که مجرم به واسطه ارتكاب جرم به اجتماع وارد کرده‌اند.

با عنایت به ناکارآمدی حبس به ویژه حبس‌های کوتاه مدت در زمینه بازدارندگی و اصلاح و درمان بزهکاران به لحاظ کنار گذاشتن مجرم از اجتماع و آشناسازی وی با فرهنگ حبس و مشکلات ناشی از حبس نظیر رواج مواد مخدر، شیوع بیماری‌های عفونی و خشونت، کشورها در صدد به‌کارگیری مجازات‌های جایگزین حبس بودند که با عنوان کیفی‌های اجتماع محور شناخته می‌شوند. قانون‌گذار ایران در سال ۱۳۹۲ مجازات‌های جایگزین حبس را وارد قانون مجازات اسلامی کرد؛ یکی از مصادیق این نهاد خدمات عمومی رایگان یا همان خدمات عام المنفعه می‌باشد که قضات محاکم با رعایت شرایط مقرر می‌توانند مجرم را بدون نگره داشتن در حبس تحت نظر قاضی اجرای احکام به نفع جامعه بدون پرداخت دستمزدی به کار مشغول کنند.

خدمات عمومی یکی از تدابیر جایگزین حبس نوجوانان بزهکار به شمار می‌آید که به موجب آن، به شخص محکوم بزهکار پیشنهاد می‌شود از طریق انجام کاری (رایگان) به نفع جامعه، در عوض حبس، در صدد جبران خطایی برآید که مرتکب شده است. خدمات عمومی به معنای کار و وظیفه‌ای است که به نفع تمام اعضای جامعه صورت می‌گیرد. (خالقی، ۱۳۸۶: ۳)

۴) بازاجتماعی کردن مجرم

یکی دیگر از کارکردهای خدمات عام المنفعه، بازاجتماعی کردن بزهکار است. بزهکار کار و خدمات خود را در بستر جامعه و میان مردم انجام می دهد در نتیجه تحت تأثیر زندگی اجتماعی و مدنی قرار می گیرد. بزهکار با وظایف، تکالیف و مسئولیت های اجتماعی خود آشنا می شود. مجرم با اعمال این مجازات قواعد زندگی در اجتماع را می آموزد، سعی در اصلاح رفتار گذشته خود دارد و با اصلاح مجرم هدف اجتماعی کردن مجرم محقق می شود. هدف کارهای عام المنفعه فراهم کردن مجازات اجتماعی ارزشمندی است که می تواند باعث اصلاح و درمان، و بازسازی اجتماعی مجدد محکوم علیه از طریق اجتناب از آثار سوء محکومیت شود. زیرا اجرای منظم و هدفمند و همراه با مسئولیت یک کار رایگان و تضمین لازم جهت جبران خسارت و ترمیم آن به وسیله فرد آثاری جز اصلاح و درمان مجرم و جامعه ندارد. از طرفی خدمات عمومی به عنوان کیفر مستقل برای حبس بوده و آثار مخرب حبس را نداشته، بلکه آثار مثبتی در زمینه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نیز دربر داشته است و به مجرم نشان می دهد که جامعه از مجرمیت او متأثر است و به او به عنوان یک عنصر سودمند و سازنده نگاه می کند. بنابراین می توان گفت: علاوه بر آثاری که این مجازات بر روح و روان مجرم دارد، بر پیکره اجتماع نیز اثرگذار است. به علاوه مجرم سعی در جبران خسارت وارد بر بزه دیده دارد و از این طریق حسن نیت خود و قابلیت ورود مجدد به جامعه را نشان می دهد. (توسلی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴-۱۵)

ویژگی های کار عام المنفعه در قانون ایران مطابق ماده ۸۴ (ق.م.ا)

مطابق ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی، خدمات عام المنفعه دارای ویژگی های زیر است:

- رضایی بودن: تعیین نوع خدمات عام المنفعه به پیشنهاد دادگاه و با رضایت و انتخاب شخص محکوم به حبس است.
- نظارت پذیری: قاضی اجرای احکام بر نحوه کمی و کیفی خدمات مورد توافق دادگاه و محکوم علیه نظارت می کند.
- قانونی بودن مجازات ها: قاضی دادگاه مطابق تبصره ۲ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نمی تواند برخلاف اصول دادرسی، از حیث شکلی و جهت محتوایی حکم به انجام خدمات عام المنفعه دهد. زیرا صدور حکم به ارایه خدمات عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان آور است.
- معین بودن مقدار و ساعات ارایه خدمات رایگان: مطابق تبصره یک ماده ۸۴ قانون مذکور ساعات ارائه خدمات عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست.

اصول حاکم بر کار عام المنفعه بر اساس آیین نامه

۱) میزان ساعات کار

الزام ناشی از اصل قانونی بودن کیفر و قاعده تناسب واکنش اجتماعی با خطای ارتكابی، مقنن را ملزم می سازد تا میزان و مدت زمان اعمال مجازات را به دقت معین نماید، اما قانون گذار پیوسته با این پرسش اساسی روبروست که؛ کمترین و بیشترین مقدار هر کیفر را بر مبنای چه شاخص و معیاری مشخص کند. پاسخ به این پرسش چندان ساده نیست. این مشکل در خصوص انجام خدمات عمومی به مراتب بیش تر نمود دارد. چند ساعت کار متناسب با ارتكاب چه بزه ای است؟ در برخی سیستم های کیفری برای پاسخ به این پرسش، ضابطه و ملاک خاصی را مقرر داشته اند. معیار مزبور بر پایه مجازات حبس بنا شده است. اما این ضوابط تناسب چندان بایکدیگر ندارند، علی رغم وجود اختلاف معیار در کشورهای مختلف، ولی میزان ساعات کار به طور متوسط در اکثر سیستم های کیفری، بین کمترین ۴۰ و بیشترین ۲۴۰ ساعت مقرر شده است. در ایران میزان ساعات خدمات عمومی رایگان نیز بر حسب مدت زمان حبس، متغیر است (سیستم حداقل و حداکثر). مدت مذکور، متناسب با شدت و نوع جرم ارتكابی تعیین می شود. (مواد ۸۳ و ۸۴ ق.م.ا.).

این ساعات به شرح ذیل تنظیم شده است:

- حداکثر سه ماه حبس، تا دویست و هفتاد ساعت.

- نود و یک روز تا شش ماه حبس، دویست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت، هم‌چنین در جرایمی که نوع - و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است.

- بیش از شش ماه تا یک سال حبس، پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت.

- بیش از یک سال حبس (در جرایم غیر عمدی)، هزار و هشتاد تا دوهزار و صد و شصت ساعت.

افرادی که به انجام خدمات عمومی محکوم می‌شوند، برای اجرای داوطلبانه‌ی آن در ساعت‌های مقرر به یکی از مؤسسات عمومی فرستاده می‌شوند و در جریان اجرای مجازات مذکور، محکوم موظف می‌شود که کاری رایگان را انجام دهد؛ به عبارت دیگر، محکومان بیش‌تر به انجام کار مورد نیاز گماشته می‌شوند، لذا اولاً برای چنین کاری استخدام نمی‌شوند و ثانیاً در نتیجه‌ی محکومیت بزهکار به انجام خدمات عمومی رایگان، شغلی عاید مجرم نمی‌شود. باید توجه داشت ساعات تعیین خدمات عمومی می‌بایستی به گونه‌ای باشد که امرار معاش شخص محکوم را مختل نسازد و فرد بتواند در کنار انجام خدمات عمومی هزینه خانواده‌اش را نیز تأمین نماید، به همین دلیل است که تبصره ۱ ماده ۸۴ مقرر داشته است «ساعات ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیر شاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست» به عبارت دیگر، اگر مجرم بیکار باشد خدمات عمومی به عنوان یک کار روزانه چند ساعته (معمولاً هشت ساعته) در نظر گرفته خواهد شد و در صورت شاغل بودن محکوم باید مراقب بود تا اعمال مجازات مذکور باعث از دست دادن شغل او نشود.

اگر انجام خدمات عمومی رایگان موجب از دست رفتن شغل بزهکار گردد و مجرم موظف گردد هشت ساعت در روز به خدمات رایگان، مبادرت ورزد با اهداف مجازات موصوف هم‌سو نبوده و تبعات منفی بدی را به دنبال خواهد داشت. ضرورت دارد در چنین مواردی، خدمات عمومی در وقت آزاد و پس از ساعت‌های کار رسمی یا در پایان هفته کاری مورد حکم قرار گیرد تا با کار اصلی محکوم تداخل پیدا نکند و لازم است این موضوع باید با نهادهای پذیرنده نیز هماهنگ شود. ممکن است محکوم بیکار بوده و به انجام خدمات عمومی محکوم شده باشد و حین اجرای حکم و در طول مدت انجام خدمات عمومی به شغلی دست پیدا کرده باشد، حکم مذکور باید با توجه به کار جدید محکوم تغییر پیدا کند و مورد تجدید نظر قرار گیرد.

۲) عدم دریافت مزد

طبق تبصره ۲ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی حکم به ارائه خدمت عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت‌های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان‌آور است، از جمله توابع و متعلقات ناشی از حق کار، دریافت مزد است. تعیین و پرداخت حق الزحمه کارگر، که از آن با عنوان حق السعی نام برده شده است، از جمله مؤلفه‌های اساسی قرارداد کار به حساب می‌آید. در قرارداد کار علاوه بر درج مشخصات کارگر و کارفرما (نوع کار، وظایف کارگر، ساعت، محل و مدت) باید مزد و اجرت کارگر در آن معین شده باشد.

افراد ممکن است قبول کنند که خدمات عمومی انجام دهند اما هنگامی در برابر این خدمات در ساعات زیاد مشغول کار شوند و دستمزدی دریافت نکنند ممکن است این تصور برایشان ایجاد شود که خدمات آن‌ها شبیه به بیگاری شده و از کار فرار کنند.

باتوجه به نقش و اهمیت مزد در روابط ناشی از کار؛ سؤال آن است که در محکومیت بزهکار به انجام خدمات عمومی، عدم پرداخت مزد چگونه قابل تحلیل است؟ پاسخ آن است که وقتی انجام کار، وارد حوزه حقوق کیفری وارد می‌شود، به عنوان مجازات و ضمانت اجرای کیفری محسوب می‌گردد، بنابراین در این قلمرو جدید تابع احکام جدید خواهد بود. از آن‌جا که بخشی از خصیصه مجازات، تحمیل سختی و مشقت هدف دار و معقول بر محکوم علیه است، بنابراین برای ایجاد آن لازم است تا انجام کار بدون دریافت مزد صورت گیرد تا نتایج اعمال ضد اجتماعی خود را درک نموده و متنبه شود. (خالقی، ۱۳۸۶: ۱۳۶)

شرط عدم دریافت مزد در قوانین جزایی بسیاری از کشورها نیز به صراحت قید شده است. در محکومین اطفال و نوجوانان گاهی به عنوان پاداش حسن کار، مبلغی به آنان پرداخت می‌گردد تا احساس غرور کرده و حس اعتماد به نفس در آنان تقویت و کارهای ارجاعی را با دقت انجام دهند. میزان پاداش، بایستی تا میزان یک دهم مزد کارگران شاغل در همان رشته باشد. (دانش، ۱۳۷۸: ۲۰۸)

ضرورت دارد قانون‌گذار جمهوری اسلامی جهت حفظ منافع شخص محکوم علیه و ترغیب و تشویق او به تبعیت از قواعد و مقررات اجتماعی اولاً ذهنیت محکوم علیه را نسبت به نوع برخورد بیگاری مآبانه پاک ساخته و در قبال خدمات عمومی کارمزدی را هرچند ناچیز برای او در نظر بگیرد ثانیاً تا در اصلاح و تهذیب او شتاب ایجاد و ثالثاً همسو با مقررات مورد نظر قانون‌گذار مذکور در تبصره فوق‌الذکر گردد.

۳) نظارت و مراقبت

اجرای صحیح و مؤثر ضمانت اجرای خدمات عمومی رایگان، مستلزم وجود نظارت و مراقبت است. این که شخص محکوم به درستی خدماتی که بر عهده دارد را انجام دهد از اهمیت فراوانی برخوردار است. کنترل، مراقبت و نظارت بر عملکرد محکوم علیه باید از طریق مأموران مراقبت و با هدایت قاضی اجرای مجازات ها، صورت گیرد. مأموران مراقب گزارش نحوه انجام کار، کمیت و کیفیت خدمات را تهیه کرده و در پرونده اجرایی محکوم، بایگانی می کنند. گزارش عملکرد شامل حضور به موقع در محل کار، انجام وظایف محوله، عدم تعلل و تأخیر در ادای وظیفه، رعایت ضوابط حاکم بر کار و... می باشد. مسؤولان و متصدیان محل انجام کار نیز در تهیه گزارش با مأموران مراقب باید همکاری لازم را داشته باشند.

به موجب ماده ۹ آیین نامه اجرایی نهاد پذیرنده محکوم علاوه بر رعایت مسائل امنیتی و حفاظتی در خصوص به کارگیری محکوم، مکلف است ضمن نظارت بر عملکرد محکومان معرفی شده، به صورت ماهانه گزارش تفصیلی محکومان را با اعلام نظر صریح در خصوص شروع به کار و نحوه انجام خدمات شامل، ساعات حضور روزانه، میزان غیبت و تأخیر و هرگونه بی‌نظمی و کوتاهی در انجام خدمت محوله و میزان رضایت‌مندی نهاد پذیرنده و مراجعان از خدمت ارائه شده را به نحو کامل به اجرای احکام مربوط گزارش نماید. چنانچه برآورد مجموع گزارش‌های مأموران نشان دهد که محکوم علیه در مدت زمان مشخص شده، خدمات موردنظر را به درستی انجام داده است، مجازاتش خاتمه می یابد. اگر مأموران مراقب، نقض شرایط کار و ارتکاب تخلفی از جانب محکوم علیه را گزارش دهند، دادگاه با توجه به نوع تخلف، ممکن است میزان ساعات کار و خدمت وی را اضافه نماید یا در صورت اقتضاء، مجازات متناسب دیگری را بر او تحمیل کند. (نقارچی، ۱۳۹۴: ۷۲-۷۳)

به موجب ماده ۱۲ آیین نامه مذکور، قاضی اجرای احکام با توجه به گزارش ماهانه نهاد پذیرنده و وضعیت شخصی، خانوادگی و اجتماعی محکوم و آثار اجرای حکم و سایر جهات در چارچوب ماده (۷۷) قانون و سایر گزارش های واصله، حسب مورد تخفیف یا تبدل یا توقف موقت یا تشدید مجازات خدمات عمومی رایگان را وفق مقررات قانونی به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد می کند. باید توجه داشت برخی از مجرمین در حین انجام خدمات عمومی رایگان ممکن است، مرتکب جرایم جدیدی نیز شوند، بنابراین یکی از مهم‌ترین بخش اجرای این تدبیر استفاده از نظارت کنندگان متخصص و متبحر است، تا بتوانند بر چگونگی اجرای این نوع مجازات نظارت کامل و مؤثر داشته باشند تا در سایه آن بخشی از اهداف مورد نظر مقنن و دولت حاصل شود. بدیهی است زمانی که بزهکار، تحت کنترل قرار می‌گیرد، همین امر موجب کاهش دسترسی او به دیگر فرصت های مجرمانه می شود. ضمن این که تشکیل پرونده شخصیت نیز می‌تواند زمینه های اصلاح و درمان او را فراهم سازد.

۴) ملاقات و مرخصی

یکی از موارد قابل توجه در بحث مجازات خدمات عمومی رایگان موضوع مرخصی و ملاقات شخص محکوم علیه است. این که آیا نوع مرخصی و ملاقات این نوع محکومان که در آیین نامه اجرایی ذکر نشده است، به مانند محکومان به حبس و بر اساس آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی سال ۱۳۸۴ است یا خیر؟ آیا آن چه را که در آیین نامه مذکور مطرح گردیده را می شود نسبت به مجازات مورد بحث تسری داد یا خیر؟ محل تأمل است. جهت دست یافتن به پاسخ ضرورت دارد نگاه اجمالی نسبت به دو موضوع ملاقات مرخصی در آیین نامه پیش گفته گردد.

در خصوص ملاقات و به موجب مواد ۱۷۴ الی ۱۸۲ آیین نامه موصوف، اولاً کلیه زندانیان اعم از متهم و محکوم تحت نظارت کامل و طبق مقررات این آیین نامه مجاز به داشتن ارتباط با بستگان و آشنایان خود می باشند و این ارتباط به وسیله ملاقات و مکاتبات انجام می پذیرد. چنانچه ملاقات یا مکاتبه متهمی مخالف حسن جریان محاکمه باشد قاضی مربوطه می بایست کتباً ملاقات با زندانی یا مکاتبه وی را ممنوع اعلام کند. در این صورت و در مدت ممنوعیت حسب مورد ملاقات با زندانی و یا مکاتبه او فقط با اجازه کتبی مراجع قضائی ذیصلاح مجاز می باشد. ثانیاً محل ملاقات عمومی زندانیان حتی الامکان بایستی مجهز به دیوارهای شیشه ای نشکن و وسائل تلفن و لوازم ضد صوت باشد و وسائل مذکور باید طوری تعبیه گردد که هنگام ملاقات و مکالمه زندانیان با اشخاص، مزاحمت برای سایرین فراهم نگردد و مکالمات به سهولت انجام پذیرد. ثالثاً زوج یا زوجه، پدر، مادر، برادر، خواهر و فرزندان زندانی و همچنین پدر و مادر همسر وی حق دارند طبق شرایط ملاقات های هفتگی با زندانی ملاقات کنند و سایر بستگان و دوستان زندانی در صورت درخواست با کسب اجازه از طرف رئیس زندان یا قاضی ناظر زندان می توانند ملاقات کنند. رابعاً زندانیانی که حسن رفتار و کردار داشته باشند با صلاح دید رئیس زندان می توانند با همسر و فرزندان و پدر و مادر و برادر و خواهر و پدر و مادر همسر خود با حضور مأمور مراقب ملاقات حضوری نمایند. خامساً زندانیان مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی نیز می توانند حداقل هفته ای یکبار با اشخاص مذکور در ماده ۱۷۷ ملاقات نمایند. سادساً محل ملاقات این گروه از زندانیان در محل مناسبی که به این منظور اختصاص داده می شود انجام خواهد شد در این صورت حضور یک مأمور مراقب ضروری است. سابعملاً زندانیان با موافقت رئیس زندان یا قاضی ناظر زندان در مواردی می توانند ملاقات خصوصی بدون حضور مراقب با همسر و فرزندان خود داشته باشند. ثامنناً برنامه ملاقات عمومی در هر زندان از نظر روز و ساعت متناسب با فصول سال و نیاز هر محل به وسیله رئیس زندان تهیه و با تصویب مدیرکل مربوطه آگهی می شود. تاسعاً برنامه ملاقات باید به گونه های تنظیم شود که زنان و مردان ملاقات کننده و ملاقات شونده بتوانند به طور جداگانه با یکدیگر ملاقات نمایند. برنامه ملاقات عمومی باید به گونه ای تنظیم شود که هر زندانی حداقل هفته ای یکبار ملاقات داشته باشد و مدت آن کم تر از ۲۰ دقیقه نباشد.

در خصوص اعطای مرخصی و به موجب مواد ۲۱۴ الی ۲۱۷ ذکر مواردی ضروری است: اولاً شرایط اعطای مرخصی که عبارت است از: الف) محکومین به حبس تا ۱۵ سال باید حداقل ۱/۶ (یک ششم) از مدت حبس و محکومین بیش از ۱۵ سال و حبس ابد حداقل سه سال از مدت محکومیت خود را سپری کرده باشند.

محکومینی که دارای سابقه محکومیت در جرائم عمدی باشند، به ازای هر سابقه محکومیت یک ماه به نصاب مذکور اضافه می شود. ب) محکومینی که به لحاظ عدم پرداخت جزای نقدی یا عدم تأدیه محکومیت مالی (موضوع مادتین ۱ و ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی) و یا هر دو در زندان بسر می برند، در صورتی که حداقل یک ماه بابت محکومیت مذکور تحمل حبس نموده باشند. ج) کسب حداقل ۲۰۰ امتیاز برای هر نوبت مرخصی با توجه به معیارهای مقرر در آیین نامه است. ثانیاً میزان مرخصی به این شرح می باشد: الف: به محکومین حبس جرائم غیرعمدی و محکومینی که صرفاً به دلیل عدم پرداخت جزای نقدی، دیه و یا محکومیت های مالی غیرکیفری در زندان نگهداری می شوند در صورت کسب امتیازات لازم به ازای هر دو ماه سه تا پنج روز مرخصی تشویقی اعطاء می گردد. ب: به محکومین سایر جرائم که امتیازات لازم را کسب نمایند در صورت فقدان سابقه محکومیت در جرائم عمدی به ازای هر سه ماه و در صورت وجود سابقه محکومیت در جرائم عمدی به ازای هر چهار ماه سه تا پنج روز مرخصی تشویقی اعطاء می گردد. ج: زنان سرپرست خانوار و مادران دارای فرزند کم تر از ده سال در صورت کسب امتیازات لازم و فقدان سابقه عمدی محکومیت به ازای هر دو ماه سه تا پنج روز مرخصی تشویقی اعطاء می گردد. د: کسب امتیاز بیش تر از سقف تعیین شده، موجب تمدید مرخصی تشویقی برای زندانیان محکوم در پایان هر دوره مرخصی خواهد بود. تعیین مدت تمدید مرخصی به عهده شورای طبقه بندی بوده و در هر صورت نباید این مدت بیش تر از سقف مرخصی در هر دوره باشد. ه: چنانچه فاصله محل سکونت زندانی تا محل تحمل کیفر وی بیش از صد کیلومتر باشد، به تشخیص شورای طبقه بندی و به تناسب فاصله راه بین یک تا چهار روز برای ایاب و ذهاب به مدت مرخصی افزوده خواهد شد.

با توجه به مراتب فوق الذکر به نظر می رسد موضوع مجازات خدمات عمومی رایگان چون دارای عنوان و ماهیت مستقلی است، قواعد و مقررات مطرح در آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها بر موضوع مجازات مورد بحث حکومت ندارد، بلکه صرفاً برای محکومان یا متهمانی

است که در زندان بسته یا مراکز حرفه آموزی و اشتغال محبوس هستند اجرا می گردد از آن جایی که تحمل مجازات حبس شدیدتر از مجازات بدیل می باشد، قانون گذار با تصویب آیین نامه سازمان زندان ها حق ملاقات و مرخصی را برای زندانیان در نظر گرفته است، عقل و منطق حکم می کند که حقوق پیش گفته برای محکومانی که موضوع مجازات خدمات عمومی رایگان هستند هم لحاظ گردد، چرا که در عمل موقعی پیش خواهد آمد که شخص محکوم نیاز به ملاقات با خانواده داشته یا مرخصی برای انجام اموری نیاز دارد؛ لذا ضرورت داشت که قانون گذار در آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در خصوص دو موضوع ملاقات و مرخصی حکم صریحی را بیان می کرد، اما در حال حاضر به نظر می رسد آن چه را قاضی اجرای کیفری با هماهنگی قاضی صادر کننده رأی تشخیص داده می تواند با تفسیر قوانین به نفع محکوم، محور اعمال دو حق موصوف باشد.

نگاهی به تاریخچه کار عام المنفعه در جهان

استفاده از نیروی کار مجرمان، اختصاص به سده اخیر نداشته و سابقه ای طولانی دارد. در دوره دادگستری خصوصی، خانواده مجرم، به خاطر حفظ امنیت و تمامیت خود، وی را به خانواده زیان دیده تسلیم می کردند تا به نحو مقتضی مجازات شود. مجرمی که به این نحو تحویل داده می شد، لزوماً محکوم به مجازات مرگ نمی شد؛ بلکه ملاحظات اقتصادی، در بعضی واقع باعث می شد که خانواده زیان دیده، او را به بردگی درآورند و از کار او استفاده کنند. (صانعی، ۱۳۹۱: ۷۵)

اما اولین کسی که پیشنهاد استفاده از توان کاری مجرم را عوض از مجازات وی به طرق مرسوم طرح کرد، «بکاریا» در رساله جرایم و مجازات هایش بود. وی در مورد سرقت های بدون خشونت معتقد است:

این گونه سرقت ها باید با کیفرهای مالی مجازات شود؛ زیرا کسی که در صدد ثروتمند شدن با مال «دیگران است، باید شاهد ناچیز شدن ثروت خویش باشد. ولی چون معمولاً این جرایم ناشی از فقر و ناامیدی می شود. مناسب ترین کیفری که می توان آن را عادلانه نامید، فقط نوعی بردگی است؛ یعنی بردگی موقت که کار و مُرد مجرم را در خدمت جامعه قرار می دهد تا به این صورت خودکامگی ناعادلانه او که با نقض پیمان اجتماعی محقق شده، جبران شود.» (بکاریا، ۱۳۸۹: ۱۰۶)

هرچند بکاریا در نیمه دوم قرن هجدهم پیشنهاد استفاده از کارهای عام المنفعه را مطرح کرد، اما جامعه آن روز، در شرایطی نبود که به محض طرح چنین پیشنهادی، انتظار برآورده شدن و عملی شدن فوری آن را داشت؛ از این رو ملاحظه می شود که پس از گذشت بیش از یک قرن از آن زمان، یعنی در سال ۱۸۸۲، سناتور فرانسوی، میشو (Michoud) باز هم تأکید می کند که کار عام المنفعه وارد حقوق کیفری شود. و سرانجام، پس از گذشت سال ها انتظار، در سال ۱۹۵۰ یک قاضی اطفال در برن (پایتخت سوئیس)، و هم چنین یکی از قضات بروکسل (پایتخت بلژیک)، بدون توجه به روش ها و مجازات های مذکور در قوانین خاص اطفال، حکم به اشتغال خدمات عام المنفعه را صادر کردند. (دانش، ۱۳۷۸: ۱۸۵)

این اندیشه، امروزه نیز توسط نویسندگان و انجمن هایی مانند جامعه بین المللی جرم شناسی و بنیاد بین المللی کیفری و زندان ها در چارچوب گردهمایی های سالیانه آن ها توصیه می شود. همان طور که گردهمایی سال ۱۹۸۶ در کویمبرا (Coimbra)، موضوع جلسات خود را به کار عام المنفعه اختصاص داد و گردهمایی های سال ۱۹۸۷ در پواتیه (Poitiers) و سال ۱۹۸۸ در گرنینگن (Groningen) منجر به تهیه و تدوین حداقل قواعد برای اصلاح و درمان محکومان در محیط آزاد شد.

ماهیت کار عام المنفعه

صدور احکام حبس به صورت گسترده و ناکارآمدی و بازتولید آسیب ها، باعث بروز واکنش هایی از سوی حقوق دانان شده است. آنان تلاش های زیادی جهت جلوگیری از ورود افراد با جرایم سبک به حبس نمودند که یکی از اقدامات آن ها، مجازات جایگزین حبس است. آموزش جرم و تولید مجرم حرفه ای، تعارض با اصل شخصی بودن مجازات ها، هدر رفتن منابع مادی و معنوی، افزایش بیماری ها، هزینه های بالای اقتصادی، فروپاشی خانواده ها، تشدید فقر و شکاف طبقاتی، خطرناک شدن افراد محکوم به حبس برای جامعه پس از آزادی، ایجاد حس حقارت و از بین رفتن احساس مسئولیت در افراد محبوس و... از جمله دلایلی هستند که ادامه رشد حبس و گسترش

بی‌رویه این ساختار معیوب را غیرمعقول می‌نماید. بعد از شناسایی ضعف‌ها و نارسایی نظریه‌های اصلاح و درمان، کم‌اثر شدن مجازات حبس به عنوان سلاح راهبردی در نظریه اصلاح و درمان، و نامتناسب بودن آن با اهداف مجازات‌ها، شاهد رشد مجازات‌های جایگزین حبس به شکل عام و خاص در سامانه کیفری کشورها، بالاخص کشورهای اروپایی هستیم ولی اعمال این دسته از مجازات‌ها، سابقه چندانی در دستگاه قضایی ایران بعد از انقلاب ندارد؛ هر چند ناکارآمدی حبس و عواقب آن محرز شده و قانون نیز در موارد خاصی دست قضا را برای صدور حکم‌هایی غیر از حبس باز گذاشته است. مجموعه مجازات‌های جایگزین حبس، با هدف پرهیز از اندیشه و تدابیر سزادهی و سرکوب‌گری صرف، تدوین و به عنوان کیفر و ایزاری سزادهنده تصویب شده است. این دسته از کیفرهای جایگزین حبس هنوز نهادینه نشده‌اند و استفاده از رویه قضایی در ایران چندان محل توجه نیست، اما اعمال محدود این‌گونه مجازات‌ها که به موجب بند (ج) ماده (۸۱) ق. آ. د. ک از سوی دادستان و دادگاه‌های رسیدگی کننده به جرایم، نشان‌گر تأثیر مثبت این حرکت جدید قضایی بر بزهکاران جامعه است. از میان انواع جایگزین‌های حبس، خدمات عام‌المنفعه به خاطر ویژگی، شرایط و خصوصیاتش توجه بیش‌تر حقوق‌دانان و نظریه پردازان را به خود جلب کرده است؛ خدمات عام‌المنفعه به عنوان مجازات جایگزین حبس عبارت است از یک دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی. با این رویکرد، افرادی که به علل متفاوتی مرتکب جرم می‌شوند، در مواردی که جرم آن‌ها آثار اجتماعی شدیدی نداشته باشد، می‌توانند به جای تحمل مجازات حبس، از مجازات جایگزین حبس بهره ببرند. به دو دسته مجازات جایگزین حبس می‌توان اشاره کرد: دسته اول دارای ضمانت اجرایی مالی است و دیگری دارای ضمانت اجرایی تربیتی، اجتماعی و آموزشی، که با توجه به وضعیت روحی و روانی مجرم در نظر گرفته می‌شود. از جمله اهداف اعمال هر دو دسته مجازات نیز اصلاح، درمان، جامعه‌پذیری و بازپروری مجرم است. در اجرای این نوع مجازات‌ها سعی بر جبران است تا محکوم علیه هیچ تماسی با حبس نداشته باشد و هم‌چنان فعالیت‌های روزانه خود را حفظ کند، ولی ناگزیر است در بیرون از حبس محدودیت‌هایی را تحت نظارت قاضی اجرای احکام بپذیرد.

کار عام‌المنفعه و شریعت

کارهای عام‌المنفعه در شرع مقدس اسلام از جایگاه ویژه‌ی برخوردار است و ما به دلیل رعایت اختصار فقط به یک روایت که به نظر جامع‌تر از موارد دیگر می‌رسد اکتفا می‌کنیم:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «سَبْعَةُ أَسْبَابٍ يُكْتَبُ لِلْعَبْدِ ثَوَابُهَا بَعْدَ وَفَاتِهِ رَجُلٌ غَرَسَ نَخْلًا أَوْ حَفَرَ بَيْتًا أَوْ أَجَرَ نَهْرًا أَوْ بَنَى مَسْجِدًا أَوْ كَتَبَ مِصْحَفًا أَوْ وَرَثَ عِلْمًا أَوْ خَلَفَ وَكَلَّفَ صَالِحًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ». پیامبر اکرم (ص) فرمود: هرکس این هفت کار را انجام بدهد. اگر چه می‌میرد - اما نامه عملش بسته نمی‌شود و دائماً در نامه عملش ثواب می‌رود: کاشتن نخل، حفر چاه، بنای چشمه، احداث مسجد، نوشتن کتاب، تولید علم و تربیت کودکان صالحی که بعد از وفات فرد برای او استغفار کنند.

معروف است که وقتی یک نفر می‌میرد می‌گویند: دستش از دنیا کوتاه شده است. بعضی‌ها هستند می‌میرند، اما دستشان از دنیا کوتاه نمی‌شود. لذا پیغمبر فرمود: اگر می‌خواهید بمیرید، که مرگ مال همه است، طوری بمیرید که دستتان از دنیا کوتاه نشود. (کلینی، ۱۳۷۹: ۱۳۱)

اما مصادیق این امور:

۱. یک نفر درخت نخلی می‌کارد که مردم از سایه اش استفاده کنند، هر خسته‌ای که زیر سایه این درخت نخل نشست می‌گوید خدا رحمت کند کسی را که این درخت را کاشت.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: اگر اجلتان رسید و در دستتان یک درختی هست که می‌خواستید بکارید، اگر می‌توانید برای کاشتن همین یک درخت از عزرائیل مهلت بگیرید و بعد از آن که درخت را کاشتید، بمیرید.

۲- کسی که یک چاهی حفر کند و یا نهري ایجاد کند، در قدیم چاه حفر می‌کردند یا نهري ایجاد می‌کردند تا مردم از آب آن بنوشند. به قول امروزی‌ها مؤمنین باید کاری کنند که در شهر آب سردکنی باشد، سقاخانه‌ای باشد و اگر کسی تشنه بود از آن آب بنوشد یا برای جایی که آب ندارد آبی بکشند و پول لوله کشی را بدهند.

در قدیم، مردم وقف می کردند، خیرات می کردند. چرا؟ چون نمی خواستند وقتی که مردند دستشان از دنیا کوتاه شود. وقتی حضرت ابراهیم خانه خدا را ساخت، اولین چیزی که خدا از او خواست، احداث چاه زمزم بود. وقتی آب زمزم از زیر پای اسماعیل بیرون آمد خدا به حضرت ابراهیم فرمود این را به صورت یک چاه در بیاور که بماند و اگر کسی میهمان خانه خدا شد، تشنه نماند. (همان: ۱۱۱)

۳. در اسلام نه تنها برای حفر چاه بلکه برای آب دادن نیز ثواب بسیاری ذکر شده است. این روایت از پیامبر اکرم (ص) در کتاب وسائل الشیعه نقل شده است که فرمودند: «کسی که به صحرا می رود و می بیند که پای یک درخت خشک است و به آن آب می دهد گویا این آب را به جگر تشنه یک مؤمن، شیعه امام علی بن ابی طالب داده است». (عاملی، ۱۴۱۴: ۱۲)

مواردی بیش تر در زمینه اهمیت کار عام المنفعه در شرع وجود دارد که به دلیل رعایت اختصار از ذکر آن صرف نظر می شود. مواردی نیز وجود دارد که در صدر اسلام، مجرم را در بدل کار عام المنفعه، مثل آموزش حرفه، قرآن و... به مسلمانان مجازات نمی کرد. با توجه به این که حقوق ایران از فقه سرچشمه می گیرد و باید با موازین شرعی منطبق باشد بدو فتوای فقهی در این خصوص به شرح زیر می باشد.

کار عام المنفعه و بازتاب آن در فقه اسلامی

نظر به تحول مجازات ها در جهت تطبیق با ضرورت های اجتماعی و مبارزه هر چه کاراتر با پدیده مجرمانه یکی از مجازات ها در جهت تطبیق یا ضرورت های اجتماعی و مبارزه هر چه بیش تر و کاراتر با پدیده ی مجرمانه یکی از مجازات هایی است که در دهه ی اخیر علمای سیاست کیفری پیشنهاد کرده اند و وارد سیستم کیفری برخی از کشور ها شده مجازات خدمات عمومی یا کار عام المنفعه به عنوان جایگزین حبس می باشد. با توجه به ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مقرر می دارد: «مجازات های مقرر در این قانون ۵ قسم هستند از جمله حدود، قصاص، دیات، تعزیر و مجازات های بازدارنده که این تقسیم بندی عیناً بر گرفته از اصول و مبانی اسلامی است بنا به مراتب مذکور آیا کار های عام المنفعه به عنوان یک مجازات می تواند جایگزین هر یک از مجازات های پنج گانه مصرح در ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی شود یا خیر؟

۱- کارهای عام المنفعه به عنوان یکی از مجازات های می تواند جایگزین تعزیرات یا مجازات های بازدارنده شود ولی نمی تواند جایگزین مجازات های دیات و قصاص و حدود باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸/۴/۲۳)

۲- باید توضیح خواسته شود که غرض از خدمات اجتماعی چه مواردی می باشد و کیفیت مجازات آن را مرقوم دارند تا بعد به عنوان تعزیر مورد بحث قرار گیرند و این که قانون آن خلاف شرع می باشد یا خیر. (صانعی، ۱۳۷۶/۵/۲۸)

۳- مجازات های اسلامی که کم و کیف آن مشخص شده است مثل حدود، قصاص و دیات باید به همان نحو که مشخص شده انجام شوند و تبدیل آن جایز نیست ولی تعزیرات و مجازات های بازدارنده طبق نظر قاضی اشکالی ندارد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۸/۴/۲۸)

۴- بسمه تعالی: در روایات در غیر موارد حدود و قصاص و دیات عنوان تعزیر و تادیب است و تعزیر نوعی اذاء بدنی است و این به عنوان برار خدمات و کار های عام المنفعه صادق نیست. چنانچه ادب متوقف بر وادار کردن مجرم به انجام خدمات و کارهای عام المنفعه باشد حاکم شرع می تواند شخص مجرم را به این وسیله تادیب کند و در صورت عدم توقف تادیب، اجبار او جایز نیست و موجب ضمان است. (تبریزی، ۱۳۷۸/۴/۲۰)

۵- این مبحث از مسأله استدالی مفصل است و نیاز به مجالسی وسیع دارد لذا جواب گویی به آن به این نحو میسر نمی باشد. (بهجت)

سوالی که در این جا مطرح می شود این است که آیا همان طور که برخی از فقها معتقدند مجازات خدمات عام المنفعه در قانون جدید تنها به عنوان جایگزینی برای مجازات های تعزیری و باز دارنده آمده و در زمینه مجازات هایی مانند دیات نمی توان اعمال نمود؟ آیا اساساً مجازات های خدمات عام المنفعه خلاف شرع مقدس اسلام است؟ آیا همان طور که برخی از فقها معتقدند مجازات خدمات عام المنفعه به عنوان نوعی تادیب کارایی دارد و نمی توان آن را به عنوان تعزیر یاد کرد؟ پاسخ به این سوال و سوالات مشابه با مطالعه مبحث مربوط به عنوان خدمات عام تالمنفعه در قانون مجازات اسلامی به دست می آید. اجمالاً باید گفت که خدمات عام المنفعه نه تنها

به عنوان جایگزینی برای مجازات های تعزیری و بازدارنده می تواند باشد بلکه به عنوان یک مجازات اصلی می تواند مورد حکم قرار گیرد، از طرفی به نظر می رسد این دیدگاه که مجازات خدمات عمومی نوعی تادیب است نیز درست باشد زیرا همان طور که گفته شد از نظر گاه جرم شناسی با اعمال این مجازات با هدف بازسازی مجرم با اجتماع می رسیم و این مجازات نوعی مجازات اجتماعی است و برای اعمال آن در حقوق همه کشور ها رضایت محکوم شرط است و این به عبارت فقهی نوعی تادیب را یادآور می شود.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات ها بر اساس نسبت آن ها با یکدیگر و یا برچسب درجه ی آن ها تقسیم بندی کرده است و به مجازات های اصلی، تکمیلی و تبعی تقسیم نموده است. در ماده ۱۴ مجازات های اصلی بر اساس شرع به حد، قصاص، دیات و تعزیر تقسیم بندی کرده است و در ماده ۱۸ تعزیر را مجازاتی دانسته که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی با نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد و مقرر داشته است دادگاه در صدور حکم تعزیر با رعایت مقررات قانونی موارد زیر را مورد توجه قرار می دهد:

الف: انگیزه ی مرتکب و وضعیت ذهنی و ورانی و حین ارتکاب جرم؛

ب: شیوه ی ارتکاب جرم؛

ج: گستره یا نقض وظیفه و نتایج زیان بار آن؛

د: اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم؛

ه: سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تاثیر تعزیر بر وی؛

سوالاتی که در این جا مطرح می شود این است که آیا می توان مجازات خدمات عمومی را نوعی مجازات تعزیری دانست؟ به نظر می رسد طبق تعریفی که در ماده ی ۱۸ از تعزیرات نموده است اطلاق عنوان تعزیر بر این مجازات صحیح باشد، هر چند طبق نظر برخی از فقها این مجازات نوعی تادیب مجرم تلقی می شود و اطلاق به عنوان تعزیر بر آن صحیح ندانسته، زیرا تعزیر از نظر فقهی هدف ایذاء بدنی است و این عنوان بر خدمات و کارهای عام المنفعه صادق نیست، اما از آن جا که عنوان تادیب در ماده ۱۴ نیامده است و از طرفی طبق تعریف ماده ۱۸ به مجازاتی که حد، قصاص یا دیه نباشد تعزیر گفته می شود، می توان از نظر حقوقی مجازات خدمات عمومی را ذیل عنوان تعزیر گنجانید.

به نظر می رسد که شارع مقدس، نسبت به اعمال مجازات های تعزیری، اختیارات وسیعی را به محاکم شرع داده است.

ماهیت کلی کار عام المنفعه در قوانین حقوقی جهان

گسترش تدابیر «قضازدایی» در سال های اخیر به ویژه در قالب میانجی گری، پیش تر در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی نمایان شده و به نتایج موفقیت آمیزی هم منتهی شده است.

در طول سالیان متمادی، در کشورهای غربی، جنبش بزرگی در زمینه محدود کردن قلمرو حقوق کیفری و نهادهای قضایی به وجود آمده که حاصل آن، رشد و پیشرفت تدبیر و ساز و کارهایی چون جرم زدایی، کیفر زدایی و قضازدایی بوده است.

با گسترش این تدابیر و در راس آن برنامه های سازش و میانجی گری، بسیاری از کشورها برنامه های آزمایشی متعددی طرح ریزی و اجرا کردند که بیش تر آنها به ویژه در قلمرو بزهکاری کودکان و نوجوانان به نتایج خوبی منجر شد. پیشرفت برنامه های سازش در جهان غرب، نشان می دهد که مسأله حل و فصل و رسیدگی به اختلافات بیرون از دستگاه قضایی در قالب طرح های سازش و میانجی گری امروزه به مسئله مهمی در سطح جهان تبدیل شده است. این امر حاکی از آن است که در مشرق زمین نیز گونه های سنتی از روش های غیر رسمی حل و فصل اختلافات در قالب سازش و داوری وجود داشته است. برای نمونه، در چین یک سازمان گروهی وجود دارد که هدف آن به حل و فصل دعوا محدود نمی شود، بلکه ترویج حسن اخلاق و ارزش های اخلاقی در میان مردم نیز مد نظر قرار دارد. در این کشور نمایندگان محلی در شهرها و اعضای انجمن های مردمی روستاها، سازش گران و میانجی گران را برمی گزینند.

در ژاپن نیز با الهام از رسم ها و عرف های سنتی که روح گذشت متقابل را توصیه می کند، نهادهای صلح و سازش رواج دارد. هرچند سیر تاریخی به کار گیری روش های مصالحه بیرون از دادگاه در مجموع از موفقیت نسبی این نهاد حکایت می کند باید خاطرنشان

ساخت که در اروپا هنوز نتایج این برنامه در دست بررسی است و آخرین پژوهش‌های به عمل آمده در آلمان و آمریکا بیان‌گر سودمندی سازش و میانجی‌گری حتی در جرم‌های مهم است. (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۳)

ایده اصلی برنامه‌های مصالحه بیرون از دادگاه بر این تفکر استوار است که برخورد و تقابلی که از رفتار مجرمانه ایجاد می‌شود، دو یا چند طرف را درگیر می‌کند که با پادرمیانی یک میانجی اختلاف خود را رفع می‌کنند. به طور کلی یک مصالحه موفقیت آمیز بیرون از دادگاه پرهیز از رسیدگی‌های قضایی دادگاه را به دنبال داشته و به همین دلیل از بارزترین جلوه‌های تدابیر قضایی شمرده می‌شود.

به طور کلی برنامه‌های سازش و میانجی‌گری را در سه مرحله از یک فرآیند کیفری می‌توان تصور کرد. مرحله نخست که به مقطع تعقیب کیفری اشاره داشته و در نظام‌هایی که تشکیلاتی به نام «دادسرا» دارند عهده‌دادستان و حتی بازپرس قرار دارد. مرحله دوم که به فرایند دادرسی مربوط می‌شود محکومیت صادره است و هم‌چنان جزو وظایف دادگاه قرار می‌گیرد. در تونس، ارزیابی‌ها نشان داده که میانجی‌گری و ترسیم، پاسخ‌پذیرفتنی و موثری در جرایم فرد تلقی شده و می‌توان از آن برای قضا‌دایی در پرونده‌های کوچک و کم‌اهمیت استفاده کرد. بزه‌دیدگان، مرتکبان، دادستان‌ها و قضات نیز از این شیوه و نتایج آن ابراز رضایت کرده و بیش از هر چیز اجرای عدالت را از آن احساس کرده‌اند. هم‌چنین مطالعات حاکی از آن است که گسترش تدابیری مانند سازش و میانجی‌گری، ناظر به مواردی است که شمار پرونده‌های کوچک و کم‌اهمیت رو به افزایش بوده و در نتیجه با سنگینی بار نظام عدالت کیفری رو به رو شده باشیم. اتحادیه پادشاهی شامل انگلستان، ولز و اسکاتلند نیز تجربه بسیاری درباره روش‌های مصالحه بیرون از دادگاه دارد. در این بخش از قاره اروپا تا کنون طرح‌های متعددی از سازش و میانجی‌گری اجرا شده است. در برخی از این طرح‌ها به بزه‌دیدگان امکان مراجعه به یک برنامه میانجی‌گری داده می‌شود. برخی دیگر بر تصمیم‌های پلیس استوارند و برخی نیز اصولاً پیش از دادگاه محسوب می‌شوند. در این کشورها میانجی‌گری و ترسیم اصولاً در ردیف طرح‌های مبتنی بر پلیس و دادگاه طبقه‌بندی می‌شوند و بر اساس همبستگی و همکاری میان پلیس، مقام‌ها و مراجع محلی، مراکز خدمات عام‌المنفعه و خدمات تعلیق مراقبتی عمل می‌کنند. قضا‌دایی هدف اصلی چنین طرح‌هایی بوده و به مجرمین تا حد امکان برای بازسازی و سازگاری با اجتماع کمک می‌شود.

در آلمان، کاهش جمعیت زندان در دهه‌های اخیر را به گسترش تدابیر قضا‌دایی جایگزین از جمله برنامه‌های سازش و میانجی‌گری نسبت داده‌اند. در یکی از برنامه‌ها که «طرح بروک» نام دارد شکل سازش با بزه‌دیده، سازش با مجرم و طرح‌های حل و فصل اختلاف مدنظر قرار می‌گیرد. در اروپای شمالی از جمله فنلاند نیز چنین طرح‌هایی گسترش یافته و رویکرد این کشور حرکت از یک نظام عدالت تنبیهی به یک نظام عدالت ترمیمی را نشان می‌دهد. در بلژیک طرح‌هایی موجود است که طبق آن قاضی‌ها مجرمان را به برنامه‌های سازش و میانجی‌گری ارجاع داده‌اند. در برخی از این موارد دادستان می‌تواند در صورت مناسب دیدن موقعیت، از رهگذر جبران خسارت مالی وارد به بزه‌دیده، تصمیم به راضی کردن مجرم به قبول جرم ارتكابی خود بگیرد. افرادی که به این طرح‌ها ارجاع داده می‌شوند، معمولاً هیچ پیشینه محکومیت کیفری مهمی نداشته و مرتکب یک جرم خرد شده‌اند. با وجود این که امروزه، برنامه‌های متنوع و گوناگونی از سازش و میانجی‌گری در سطح اروپا گسترش یافته، ولی با وجود این در برخی کشورها نظیر اسکاتلند، نارضایتی‌هایی وجود دارد. به عقیده صاحب‌نظران در نظام‌هایی که گرایش ضعیف‌ترین به استفاده از روش‌های مصالحه بیرون از دادگاه و تدابیر قضا‌دایانه وجود دارد، به کارگیری شیوه‌های سنتی عدالت کیفری تداوم بیش‌تری پیدا خواهد کرد. (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۸)

برنامه‌های میانجی‌گری و استفاده از روش‌های حل و فصل بیرون از دادگاه برای کشورهایی که روش فوق را به کار گرفته‌اند امتیازاتی را به دنبال داشته است. جبران هر گونه زیان وارده به بزه‌دیده، پرهیز از توسل به شیوه‌های سنتی رسیدگی‌های قضایی به ویژه در خصوص کودکان، توانایی دادن به کودکان برای درک پیامدها و تلاش برای جبران آثار رفتارشان، تاثیرگذاری بزه‌کار و بزه‌دیده به عنوان طرف‌های درگیر اختلاف به طور مستقیم در پرونده، پرهیز از هزینه‌های هنگفت نظارت و نگهداری مجرمان برای اصلاح و بازسازی و فرصت پاسخ‌دهی مراجع محلی به جرمی مختلف از جمله امتیازات مذکور است. هم‌چنین در روش‌های حل و فصل سازشکارانه اختلاف‌ها، بزه‌دیده به عنوان فرد و نه تنها یک گواه در نظر گرفته می‌شود. میانجی‌گر از بزه‌دیده دعوت می‌کند تا علایق و منفعت‌های خود را ابراز و یا شرم، خشم، تسلیم، حساسیت و رضایت خود را ابراز دارد. از نظر شکلی و تشریفاتی نیز روش‌های مصالحه بیرون از دادگاه این امکان را فراهم می‌کند که بزه‌دیده خسارت خود را بدون درگیر شدن در تشریفات دست و پاگیر اداری و کاغذ بازی دریافت

کند. از دیدگاه فلسفه کیفری نیز یادآوری این نکته ضروری است که قوانین کیفری به طور سنتی مجرم را بر مبنای جرم ارتكابی وی مجازات می کنند و به ریشه های پنهان مجرمیت توجه نمی کنند. امروزه در آلمان، سازمان های دولتی و خصوصی در کنار هم متولی اجرای برنامه های میانجی گری اند. چنان که در آخرین آمار موجود در همین زمینه در ۱۱ درصد موارد، مراکز خدمات دولتی و خصوصی با هم و در ۱۴/۵ درصد موارد، تنها مراکز خدمات خصوصی عهده دار اجرای میانجی گری شناخته شده اند.

حقوق دانان آلمان برای روش های مصالحه و میانجی گری، سه هدف عمده را شمرده اند. برقراری سازش و آشتی میان مجرم و بزه دیده و حل اختلاف ناشی از جرم، جبران مادی یا نمادین خسارت به وسیله مرتکب جرم و ترک تعقیب کیفری یا کاهش میزان مجازات بر اثر اجرای موفقیت آمیز جبران خسارت یا تعهد به اجرای آن از سوی مرتکب اهداف فوق را تشکیل می دهند. با اجرا شدن قانون کیفری نوجوانان اتریش در یکم ژانویه ۱۹۸۹ روش های مصالحه و سازش به تدریج در تمام مناطق این کشور اجرا شد. گزارش های رسیده از آن تاریخ تا کنون از اجرای بیش از ۱۰/۵۰۰ پرونده سازش حکایت می کنند. با اجرای موفق طرح های سازش ویژه نوجوانان، این بحث در اتریش قوت گرفت که محدوده اجرای آن به پرونده های بزرگسالان نیز تعمیم یافته و بدین ترتیب این مسئله در اواخر دهه هشتاد جامعه عمل پوشید. امروزه با گذشت بیش از یک دهه از اجرای طرح های سازش در اتریش، روش مذکور مورد توجه خاص مجرمان و بزه دیدگان، میانجی گران، حقوق دانان، رسانه ها و سیاستمداران این کشور واقع شده است. تجربه اتریش نشان داده است که نزدیک به سه چهارم پرونده های مصالحه را می توان به گونه موفقیت آمیز حل و فصل کرد. در روسیه نیز حقوق دانان و صاحب نظران روسی برنامه های سازش را در کاهش جمعیت زندان ها موثر دانسته اند. به نظر اینان، گسترش پرونده های ارجاع شده به سازش، اثری ملموس در کاهش میزان متهمان و محکومان محروم از آزادی به همراه دارد. اما برخی مسایل نیز موجب ضروری دانستن بازنگری در قوانین موجود و تصویب قوانین جدید شده است. (هلالی، ۱۳۹۶: ۱۴)

از دید برخی حقوق دانان روسیه، قوانین باید شرایط قانون مناسب برای آیین های سازش را فراهم کرده و طبقه بندی مشخصی از دعوای و پرونده های مشمول سازش ارائه کنند. روش های مصالحه و سازش در لهستان، طبق قانون دادرسی کودکان و نوجوانان مصوب ۲۶ اکتبر ۱۹۸۲ پذیرفته شده است. ماده ۲۱ این قانون اهداف و اصول دادرسی در زمینه اجرای فرآیند سازش را پیش بینی می کند. در نظر لهستانی ها، روش های مصالحه و سازش امتیازهای متعدد زیر را داراست:

روش های سازش گرانه، ساز و کار مناسبی برای جبران سریع زیان های وارده بر بزه دیده به شمار می روند، در حالی که تحقق این امر در چارچوب دادرسی های قضایی دشوار به نظر می رسد، از سوی دیگر این روش های جایگاه مناسبی برای اجرای ساز و کار قضا دایی تلقی شده و به ویژه در خصوص نوجوانان از درگیر کردن و تماس آنان با دادرسی های سنتی قضایی جلوگیری می کند. به کار گیری روش های سازش و مصالحه در قبال نوجوانان سبب می شود تا آنان پیامدهای رفتار خود را بهتر درک کنند و در جبران آن بکوشند؛ روش های مصالحه و سازش بهترین فرصت برای بهره مندی از مشارکت جامعه مدنی است. (همان: ۱۵)

با توجه به بالا بودن هزینه های اجرای مجازات که با موفقیت همراه است ضمن در بر داشتن هزینه کم تر، نسبت به روش های رسیدگی سنتی در هزینه های نظام عدالت کیفری صرفه جویی بسیار خواهد کرد. بدین ترتیب چنانچه روش های مصالحه و سازش را به عنوان شکلی متحول از واکنش های اجتماعی در قبال جرم ارتكابی بپذیریم، می توان گفت که این نکته یکی از مصداق های بارز اصلی شخصی بودن واکنش اجتماعی به شمار می رود. چرا که نقیصه آثار غیر مستقیم مجازات ها بر خویشان و اطرافیان مجرم همواره از محدودیت های ناظر بر اصل شخصی بودن مجازات ها دانسته شده است. با گذشت مدت زمان معینی از توافق به دست آمده میان طرفین، میانجی گر اجرای تعهد های ناشی از سازش را بررسی و تایید می کند. میانجی گر سپس گزارش مکتوبی از نتایج سازش تهیه می کند و برای دادگاه می فرستد و دادگاه نیز بر اساس این گزارش، تصمیم گیری می کند.

کار عام المنفعه در قوانین ایران

مشارکت جامعه مدنی یا بخش مشارکتی در مقابله با پدیده سیاست جنایی مشارکتی در واقع مشارکت جامعه مدنی یا بخش مشارکتی در مقابل پدیده مجرمانه است، این نوع سیاست جنایی را می توان به دو شیوه سازمان یافته و سازمان نیافته تقسیم نمود؛ مشارکت نوع

اول به صورت خودجوش و برای پیش گیری از جرم و حل و فصل مسایل ناشی از جرم در قالب عرف و عادت و رسوم محلی و قومی است و مشارکت نوع دوم به صورت سازمان یافته و قانون مند انجام شود.

شرکت دادن مردم در عدالت کیفری و پیش گیری از بزهکاری، یعنی سیاست جنایی مشارکتی، در واقع این سیاست بر اساس همبستگی جامعه رسمی (دولت) و جامعه غیر رسمی (مردم و انجمن های مردمی) است. اتخاذ یک سیاست جنایی مشارکتی فواید بسیاری دارد؛ تقلیل بودجه دولت در مبارزه با پدیده مجرمانه و صرف آن در سایر امور اجتماعی، افزایش کارایی سیاست جنایی، مردمی نمودن حکومت، جلب اعتماد همگانی در مورد مشروعیت نظام عدالت کیفری از جمله آثار مثبت سیاست جنایی مشارکتی است. سیاست جنایی مشارکتی در واقع بر اساس همبستگی دولت و مردم است که سبب تراکم زدایی از سیستم کیفری و همزمان افزایش کارایی و تسریع عملکرد این سیستم از طریق محول نمودن بخشی از وظایف عدالت کیفری به مردم می شود. یکی از اصول راهبردی سیاست جنایی سازمان ملل متحد مشارکت مردم در سیاست جنایی است که این امر از طریق مشارکت در پیش گیری از جرم و مشارکت در عدالت کیفری محقق می شود.

مواد ۱۶ تا ۲۱ لایحه مجازات جایگزین، خدمات عمومی را پیش بینی کرده بود. ماده ۱۶ مقرر می داشت «خدمات عمومی، خدماتی است که محکوم علیه بدون دریافت دستمزد به دستور داد گاه به نفع جامعه انجام می دهد. دادگاه با توجه به نوع جرم، سن، جنس، توانایی جسمانی، روانی و مهارت شخص حکم به انجام خدمات عمومی صادر می کند».

خدمات عمومی گرچه مجانی است، اما بیگاری نیست؛ زیرا با رضایت انجام می شود و باید در راستای اصلاح و بازپروری مجرمان باشد. این خدمات باید به عموم ارائه شود و تجربه مفیدی در کشورهای مختلف بوده است. مجموع خدمات عمومی در ۴۷۰ ساعت طی مدت ۱۸ ماه برای حبس های تا دوسال صورت می گیرد. اگر انجام خدمات عمومی مانع امرار معاش محکوم شود با هدف این مجازات که اجتماعی کردن مجرم است تعارض پیدا می کند.

مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی در قالب لایحه مستقلی با عنوان «لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین حبس» در سال ۱۳۸۴ تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید و حتی کلیات آن به تصویب رسید. اما با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مفاد لایحه نیز در قالب فصل نهم از کتاب اول و مواد دیگر این قانون، مصوب گردید، این مجازات ها در لایحه با عنوان «مجازات های اجتماعی» توصیف شده بودند، زیرا موجب اجتماعی شدن مجرم می شوند، یا از آن جهت است که مجازات در اجتماع به اجرا در می آید و یا این که جامعه نیز در اجرای مجازات، مسئولان اجرای مجازات را یاری می دهد. از همین رو موفقیت این تجربه جدید مرهون همکاری جامعه است و این امر نیازمند فرهنگ سازی و آگاه کردن مردم است.

یکی از اهداف اساسی لایحه مجازات های اجتماعی، اجرای سیاست حبس زدایی است و بدون شک پس از اجرای این قانون، شاهد کاهش قابل توجه جمعیت زندان ها خواهیم بود. اما این تجربه که برای نخستین بار به این صورت در کشور ما اعمال می گردد نتایج دیگری را نیز در پی دارد که برخی از آن ها مثبت و برخی دیگر منفی است.

پیامدهای منفی و مثبت هر اقدامی، یک امر طبیعی است، اما باید تلاش شود تا پیامدهای منفی در حداقل و پیامدهای مثبت در حداکثر قرار گیرد. سیاست حبس زدایی، بحث های زیادی را در میان حقوق دانان و جرم شناسان برانگیخته و موافقان و مخالفان زیادی دارد و سرانجام قانون گذار ما تسلیم دیدگاه موافقان شد، هرچند بسیاری از فقها مجازات حبس را مورد قبول شرع نیز نمی دانند. به هر حال باید نتیجه را در عمل و پس از اجرای قانون جستجو کرد، گرچه برخی آثار مثبت آن از هم اکنون قابل پیش بینی است، مانند بهبود وضع زندان ها، صرفه جویی در هزینه ها و فراهم شدن فرصت بیش تر برای اصلاح مجرمان و اجرای بهتر عدالت با محکومیت مجرمین به کار عام المنفعه می باشد، می تواند بسیاری از مشکلات موجود ناشی از زندان را کاهش دهد؛ از قبیل گسترش مصرف و قاچاق مواد مخدر در زندان ها، شیوع انحرافات اخلاقی و جنسی، مسائل بهداشتی و بیماری های واگیردار، پیامدهای اقتصادی و مشکلاتی که برای خانواده های زندانیان به وجود می آید.

مجازات های جایگزین حبس در قوانین موضوعه را میتوان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ یک دسته ضمانت اجراهای مالی است و دسته دیگر ضمانت اجراهای آموزشی، تربیتی و اجتماعی است که به شخصیت مجرم توجه دارد.

مجازات جایگزین حبس، اصطلاحی است که از سوی قانون‌گذار ما مطرح گردیده و در سایر قوانین به عنوان مجازات اصلی از آن‌ها استفاده می‌شود و مشکلات اجرایی هم در پی ندارد. این مجازات‌ها معمولاً از قانون فرانسه اقتباس شده است اما در آن قانون، مجازات‌ها به جنایی و جنحه تقسیم شده اند و مجازات جنایی، حبس‌های ابد و طولانی مدت است، اما مجازات‌های جنحه ای متعدد هستند. به عنوان نمونه ماده ۱۳۱-۱۳۳ قانون جزای فرانسه، مجازات‌های جنحه ای در مورد اشخاص حقیقی را چنین برشمرده است: «زندانی، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، کار عام المنفعه...» خدمات عام المنفعه در قانون فرانسه برای سه گروه مجرمان پیش بینی شده است: مرتکبان تخلفات راهنمایی و رانندگی، جرایم خفیف، مجرمان اتفاقی که کمی خطرناک هستند.

ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاه‌ها و موسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان و نحوه همکاری آنان با قاضی اجرای احکام و محکوم، به موجب آیین نامه ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به وسیله وزارتخانه های کشور و داد گستر ی تهیه می‌شود و با تأکید رییس قوه قضاییه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.»

بنابراین آیین نامه مذکور در این فصل تأثیر مهمی در اجرای مجازات‌های جایگزین دارد و حتی بدون آن نمی‌توان مجازات‌ها را اعمال و اجرا نمود و از همین رو اجرای موارد این فصل منوط به تصویب آیین نامه شده است. برای تعیین نوع خدمات عمومی باید ملاک های مهمی رعایت شود از قبیل: برآورده شدن هدف مجازات، عدم تعرض به حیثیت و آبروی محکوم علیه، صدمه نزدن به بازار کار و اقتصاد کشور و....

همچنین ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره های ذیل آن، نحوه محکومیت مجرمین به خدمات عمومی رایگان (محکومیت مجرمین به کارهای عام المنفعه) و مدت زمان آن را چنین بیان می‌دارد: خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین به شرح ذیل مورد حکم واقع می‌شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجرا می‌گردد:

الف: جرایم موضوع بند (الف) ماده ۸۳ تا دویست و هفتاد ساعت.

ب: جرایم موضوع بند (ب) ماده ۸۳ دویست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت.

ج: جرایم موضوع بند (پ) ماده ۸۳ پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت.

د: جرایم موضوع بند (ت) ماده ۸۳ هزار و هشتاد ساعت تا دو هزار و صد و شصت ساعت.

تبصره ۴: ساعات ارائه خدمات عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم شود.

تبصره ۲: حکم به ارائه خدمت عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان آور است.

تبصره ۳: دادگاه نمی‌تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آیین نامه موضوع این فصل حکم دهد. در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم، به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود.

تبصره ۴: قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت های خانوادگی و مانند آن‌ها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادر کننده حکم پیشنهاد دهد.

بنابراین اگر انجام خدمات عمومی مانع امرار معاش محکوم شود، با هدف این مجازات که اجتماعی کردن مجرم است تعارض پیدا می‌کند، تبصره نخست ماده ۸۴ نیز بر همین اساس تدوین یافته است. پس افراد شاغل در طول روز حداکثر ۱۲ ساعت کار می‌کنند، زیرا هشت ساعت مربوط به شغل آن‌هاست و چهار ساعت به کار عام المنفعه اختصاص پیدا می‌کند.

مقررات قانون کار بر خدمات عمومی یا کار عام المنفعه که به عنوان محکومیت مجرم مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد نیز حاکم است، با این تفاوت که حقوق و مزایایی در این جا پرداخت نمی‌شود و تبصره دوم نیز ناظر بر همین موضوع است. کار عام المنفعه، فرصتی برای

محکوم ایجاد می کند تا خسارت های تحمیل کرده بر جامعه را جبران نماید. این مجازات برای مجرمانی است که خطرناک نیستند و تخصص هایی دارند که جامعه از آن بهره می برد. پس نمی توان از این خدمات فقط برای زیان دیده استفاده کرد، یعنی مجرم، خدمتکار زیان دیده نمی شود.

کار عام المنفعه در رویه قضایی ایران

از دیرباز در نظام های حقوقی نقش رویه قضایی به عنوان یک منبع حقوقی مورد بحث و موجب افتراق بوده است. برخی آن را سازنده و موجد قاعده حقوقی می دانند و بدین منظور از اصول ۱۶۷ و ۷۳ قانون اساسی استمداد می جویند. پاره ای دیگر از حقوق دانان منکر نقش خلاق رویه هستند. اینان نظر خود را با توسل به اصل ۵۷ قانون اساسی و نیز مواد ۵ و ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی استحکام می بخشند.

رویه در لغت به معنای نظر، تفکر در امور، فکر و تأمل در کار و اندیشه است. قضاء در لغت به معنای حکم کردن، ادا کردن، گزاردن و روا کردن است. (معین، ۱۳۸۶: ۶۶۹-۹۴۱).

در اصطلاح به آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور که پیروی از آن برای تمام دادگاه ها الزامی است آراء وحدت رویه می گویند، اما منظور از رویه قضایی طرز کار و نحوه عمل و نهایتاً درک و استنباط قضات دادگاه ها از قوانین است.

رویه قضایی به معنای خاص خود در جایی به کار می رود که محاکم یا دسته ای از آن ها در باب یکی از مسائل حقوقی روش یکسانی در پیش گیرند و به اندازه های آراء راجع به آن مسئله تکرار شود که بتوان گفت هرگاه محاکم با چنین مشکلاتی روبه رو شوند، همان تصمیم را خواهند گرفت.

رویه قضایی در مفهوم فنی به راه حلی اطلاق می شود که به طور معمول دادگاه ها در برخورد با یک مسئله حقوقی ارائه می کنند (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۳: ۴۴).

روند تعدیل تفکرات کیفرگرا و اصلاح ساختار آسیب زای حبس، باعث شده در ایران نیز استفاده از جایگزین های حبس در دستور کار قرار گرفته و قانون گذار ایرانی تقریباً پنج درصد از مواد کتاب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را به این دست از مجازات ها اختصاص داده است. ولی آن چه بایستی بدان توجه کرد این است: مجازات های جایگزین در ایران سابقه اجرایی نداشته و ممکن است در عمل در اجرای آن ها مشکلاتی به وجود آید. از این رو، براساس قانون مجازات اسلامی ایران که یک قانون ترکیبی است و بررسی ۲۴۵ قانونی که در این زمینه در فاصله بین سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸ به تصویب رسیده است.

این کیفر نه تنها فاقد خطرات و معایب زندان است بلکه باعث ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی نیز می شود. انجام خدمات عمومی از سوی محکوم، مترادف با بیگاری و کار اجباری نبوده بلکه در جهت بازپروری و اصلاح محکوم علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت به زندان، بهره گیری از ظرفیت های بازپروری، اشتغال به کارهای عام المنفعه و نیز جبران خسارت هایی است که مجرمان به واسطه ارتکاب جرم به اجتماع وارد کرده اند. خدمات اجتماع محور به عنوان یک مجازات عبارت است از انجام کاری بدون مزد از سوی محکوم علیه به دستور دادگاه به نفع جامعه متأسفانه تا کنون در نظام عدالت کیفری ایران راجع به مجازات خدمات عمومی قوانین و مقرراتی وضع نشده است. (باهری، ۱۳۸۰: ۶۵)

اما در عمل در آراء و رویه های دادگاه و حتی در طرح های انجام شده از سوی سازمان زندان ها مواردی دیده می شود که بیان گر توجه قضات و مسؤولان به این مجازات است. برای مثال، می توان به محکوم کردن سارق کم سن و سالی به باغبانی در یکی از نهادهای دولتی یا محکوم کردن دختر فراری از منزل به خدمت در خانه سالمندان اشاره کرد. آراء صادره اگرچه با توجه به مواد ۱۶ و ۱۷ ق. م. ا. ۱۳۷۰ تا حدودی صحیح به نظر می رسند، ولی چون مجازات خدمات عمومی و اجرای آن نیازمند شرایط و ساز و کارهایی هست که خود مستلزم تصویب قوانین و ویژهای در آن خصوص اند، استناد به مواد ۱۶ یا ۱۷ به تنهایی قابل قبول به نظر نمی رسد. در ارتباط با برنامه های جایگزین زندان (خدمات اجتماع محور) طرحی با این عنوان نیز توسط مدیر کل زندان های استان مازندران مطرح گردیده که در خور تأمل و توجه است؛ در این طرح انواع کار در امور مختلف پیش بینی شده است از جمله:

الف: کار در پروژه های کشاورزی و دامپروری به جای زندان؛

ب: کار در پروژه های معدنی به جای زندان؛

ج: کار در پروژه های صنعتی به جای زندان؛

در ایران هم اکنون اقداماتی از سوی معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه راجع به مجازات خدمات عمومی صورت گرفته است. طرح مجازات جایگزین حبس در استان کرمانشاه در محلی به طول ۴۰ کیلومتر در بین اسلام آباد، کرد و دالاهو به صورت پایلوت اجرایی می شود و متهمان برای درختکاری به این مناطق می روند زیرا دادگاه برای مجازات آن ها ۷ هزار ساعت حکم دادند. مرحله بعدی اجرای طرح مجازات جایگزین حبس در استان کرمانشاه و در کنار رودخانه قره سو انجام می شود و نظافت فضای سبز توسط متهمان انجام می گیرد.

شرایط حکم به کار عام المنفعه:

برای صدور حکم کیفر خدمات عام المنفعه و انجام آن نیاز به همکاری همه جانبه جامعه، کارفرمایان، مؤسسات دولتی، هم چون شهرداری ها با دستگاه قضایی است. چون این کار باید برای جامعه انجام شود و هدف اصلاح و بازپروری و اجتماعی شدن نوجوانان بزهکار است؛ بنابراین شرایط، اصول و مقرراتی برای اجرای موفقیت آمیز آن نیاز می باشد. شرایط و الزامات چنین است:

- مشارکت جامعه مدنی اعم از رسانه های گروهی محلی و ملی، سازمان های دولتی و سازمان های غیردولتی.
- مشارکت سیستم قضایی از طریق آموزش و رهنمودهای الزم به قضات دادگاه ها و توجه قضات در خصوص اجرای موفقیت آمیز طرح خدمات عام المنفعه.

- شرایط مساعد و مشارکت نوجوان بزهکار در اجرای خدمات عام المنفعه.

رعایت این الزامات قانونی در اجرای خدمات عام المنفعه برای نوجوانان بزهکار لازم الجرا است:

شخص محکوم بزهکار باید نسبت به انجام کار و محکومیت رضایت داشته باشد. حکم به خدمات عمومی، محدودیت های جسمانی و روانی برای محکوم علیه در پی دارد. فلذا محکوم علیه نسبت به اجرای آن باید به طور دقیق آگاه و راضی باشد، در غیر این صورت امکان اصلاح و بازپروری نوجوان وجود ندارد. در مواردی که برای یک جرم جنحه ای مجازات حبس مقرر شده باشد، دادگاه می تواند مقرر دارد که محکوم علیه، کاری عام المنفعه و بی دستمزد را برای مدت ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت به نفع یک شخص حقوقی عمومی یا انجمنی که شایستگی و توانایی اجرای کار عام المنفعه را داشته باشد، انجام دهد. دادگاه مجاز نیست به متهمی که از انجام کار عام المنفعه سرپیچی می کند یا در دادگاه حضور ندارد، حکمی مبنی بر انجام این کار صادر کند. قاضی دادگاه پیش از تصمیم گیری، متهم را از حق خود مبنی بر عدم پذیرش از انجام کار عام المنفعه آگاه کرده و پاسخ او را دریافت می کند. (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۴۷)

به هنگام صدور حکم خدمات عمومی، خصوصیات نوجوان بزهکار از لحاظ سن، جنس، توانایی های جسمانی، روانی، مهارت و حتی نوع جرم ارتكابی بایستی در نظر گرفته شود. چون نوع کاری که مقام قضایی برای محکوم علیه در نظر می گیرد، باید اولاً متناسب با سن و جنس وی باشد و ثانیاً، محکوم علیه توانایی الزم برای انجام کار موردنظر را داشته باشد.

-در توسل به خدمات عمومی، تشکیل پرونده شخصیت برای نوجوان بزهکار الزامی است. شخصیت بزهکار قبل، در آستانه و پس از ارتكاب جرم (در رابطه با بزهکار و بزه دیده، شرکا و معاونین جرم، اقدام های بزهکار پس از جرم نسبت به بزه دیده...) در صدور حکم به خدمات عمومی بایستی مدنظر قرار گیرد.

-بایستی از سوی نظام عدالت قضایی، ساعت ها و مدت زمانی را که محکوم علیه باید به انجام خدمات عمومی بپردازد مشخص گردد و مدت آن نیز بایستی متناسب با نوع جرم ارتكابی و شرایط دیگر آن نیز باشد.

-محکوم علیه کیفر خدمات عمومی باید به احضاریه های قاضی اجرای مجازات و کنترل های ناگهانی یا برنامه ریزی شده او پاسخ دهد و با قاضی اجرای مجازات ها در خصوص رفتارش همکاری نماید.

محل کار بایستی حتی المقدور در محل اقامت دائمی نوجوان باشد و برنامه اشتغال به کار باید طوری تنظیم شود که به شخصیت و تحصیل و یا کار دائمی وی لطمه نزنند. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در ماده ۸۳، الزامات مربوط به خدمات عمومی رایگان از جمله رضایت محکوم به تعیین خدمات عمومی رایگان را که همان اقناع وجدانی شخص محکوم در قبال شخص زیان دیده و جامعه است، رعایت نموده که با این پیش بینی، هدف اصلاح و بازپروری اجتماعی نوجوانان بزهکار به شیوه مطلوب تأمین می شود. (بیگی و بیگی، ۱۳۹۸: ۵۱-۵۲)

مصادیق کار عام المنفعه در قوانین جزایی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول سوم، بیست و نهم، و سی ام، وظایفی از قبیل: ایجاد امکانات آموزشی رایگان، رفاه، رفع فقر، برخورداری تمام افراد جامعه از خدمات تأمین اجتماعی و... را برعهده دولت قرار داده است. به تعبیر برخی حقوق دانان از آن جایی که این موارد از مصادیق بارز خدمات عمومی هستند، می توان این مفهوم را یکی از مبانی وجودی دستگاه های اداری دولت دانست. با توجه به این که محکومان و مجرمان مشمول حکم خدمات عمومی (کار عام المنفعه) در درجه های مهارت و پیشینه های متفاوتی قرار دارند، کارهایی که به هر یک از آنها واگذار می گردد، به لحاظ پیچیدگی و میزان مهارت مورد نیاز متفاوت می باشد. کار عام المنفعه دربرگیرنده باغبانی، درختکاری، نقاشی، طرح های بازیافت، دسته بندی لباس، انجام کارهای آشپزخانه و کارهای خاص اداری، کار در قبرستان و غسالخانه، کار در بیمارستان و آسایشگاه سالمندان، شرکت در کاوش های باستانی و تاریخی، کارهای عمرانی، شرکت در کلاس های آموزش فنی و حرفه ای، راهنمایی و رانندگی و بهداشتی، پاکسازی اماکن عمومی و خیابان ها، کار در پروژه های ملی معدنی صنعتی، کار در اراضی کشاورزی و امثال آن، که حقوق دانان به انواع و اقسام مختلف آن اشاره کرده و در کشورهای مختلف اشکال مختلف و متفاوت آن به کارگرفته می شود، به عنوان مثال در کشور آلمان نوع کار آموزش صنایع دستی، الزام به شرکت در کنفرانس های علمی و آموزش خلبانی برای جوانان و نوجوانان ۱۴ تا ۲۱ سال است، که جوانان از آموزش هوایی و خلبانی با اشتیاق استقبال می نمایند. برخی از طرح هایی که در سال های گذشته با به کارگیری احکام دادگاه ها در امور عام المنفعه در استرالیا انجام شده: مجرمان ساختمان کهن های را تمیز و تعمیر کردند و بخش های آسیب دیده مدرسه را مرمت و بازسازی نمودند. اجرای این طرح به محکومان فرصت داد تا مهارت های مهمی را از رهگذر به کارگیری ابزارهایی مانند ماشین چمن زنی، اره برقی، اره مویی و دریل الکتریکی، بی آموزند. در طرحی دیگر، محکومان در یک شهر قدیمی ساختمان های نیمه مخروبه را تعمیر نموده اند، تجهیزات و اماکن تفریحی ساخته اند و برای بال بردن جاذبه های توریستی و گردشگری به احداث جاده و راه اقدام نموده اند. در این مدت زمان آنها توانستند چیزهای بیش تر درباره فرهنگ و تاریخ بومی محل نیز آموزش ببینند، یا در طرحی دیگر، مجرمان با رسیدگی به انبارها به آماده سازی و توزیع پوشاک و غذا در میان خانواده های نیازمند، به آنها کمک می نمایند. بنابراین گوناگونی خدمات عمومی به تنوع نیازهای اجتماعی بستگی دارد و به هر نسبتی که نیاز افزایش یابد خدمات هم رشد و توسعه می یابد.

کار عام المنفعه در مقام جایگزین های اصلی و فرعی:

الف: جایگزین اصلی و تبعی

انواع مجازات ها در قانون مجازات ایران، به سه دسته کلی: اصلی، تبعی و تکمیلی تقسیم شده اند. مجازات اصلی، مجازاتی است که به طور خاص و مشخص در قانون، برای هر جرم مشخص شده است؛ مجازات تکمیلی با تشخیص قاضی و برای تکمیل مجازات اصلی تعیین می شود و مجازات های تبعی، به صورت خود به خود و به تبع مجازات اصلی به مجرم تحمیل می گردد. منظور از مجازات اصلی مجازاتی است که قانون گذار برای هر جرم تعیین کرده است و اجرای آن ها را به موجب حکم قطعی دادگاه ممکن است و از این نظر آن ها امر و نهی قانون گذار تلقی می شوند و تابع کیفر دیگری نمی باشند لذا به عنوان مجازات های اصلی شناخته می شوند. در قانون مجازات اسلامی و در ماده ۱۴ این قانون، مجازات اصلی به ۴ نوع، تقسیم شده است: قصاص: قصاص، مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضا بدن و منافع است.

- حدود: حد، مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است.

- دیه: دیه، اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس، برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی، در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، به موجب قانون مقرر می‌شود.

- تعزیر: تعزیر، مجازاتی است که به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی، تعیین و اعمال می‌گردد، به عنوان مثال مجازات سوء قصد به جان مقامات خارجی، مذکور در ماده ۵۱۶ قانون مجازات اسلامی.

حکمی که دادگاه صادر می‌کند، باید بر اساس قانون باشد، از این رو قانون‌گذار با تعیین مجازات اصلی برای هر جرم در قانون، علاوه بر این که مانع از سردرگمی قاضی در تعیین حکم می‌شود، باعث می‌شود افراد جامعه هم بدانند که مجازات هر جرم چیست تا ترس ناشی از مجازات شدن، به عنوان یک عامل بازدارنده عمل کند. (صانعی، ۱۳۹۱: ۲۱۴)

بحران زندان و تورم جمعیت کیفر زندان سبب شد تا کیفرشناسان و علمای حقوق جزا در جست‌جوی راه حلی برای این مشکل بیابند بدین ترتیب بود که مقوله‌ی جانشین‌ها از جمله عام المنفعه به عنوان جایگزین کیفر حبس پیشنهاد و تاسیس شد، با وجود این رفته رفته بحث از این موضوع فراتر رفت و در قوانینی که بعداً تصویب شد، محدودیت اعمال کار عام المنفعه به جای حبس از بین رفت. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سایر کشورها احکام کار عام المنفعه در ۵۰ درصد موارد به عنوان جایگزین حبس چندان مورد استفاده قرار و ۵۰ درصد دیگر در سایر موارد از جمله به عنوان کیفر اصلی مورد حکم قرار گرفته. علاوه بر این حرف‌های خطراتی مندرج در قانون مبنی بر استفاده از کار عام المنفعه به عنوان جایگزین حبس چندان مورد توجه واقع نمی‌شود و به تعبیر دیگر تاسیس حقوقی به عنوان یک کیفر اصلی نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. از طرفی نخستین نتایج بدست آمده از اجرای کار عمومی در کنار توصیه مجامع بین‌المللی، موجبات تشویق کشورهای مختلف را در استفاده و به‌کارگیری کار عام المنفعه نه تنها به عنوان یک مجازات جایگزین زندان بلکه به عنوان مجازاتی مستقل فراهم کرد. واقعیت این است که هدف از توسل به مجازات‌های اجتماعی هم‌چون خدمات عمومی صرفاً تقلیل جمعیت کیفری زندان‌ها نیست، اهداف دیگری از جمله اجتناب از ایراد انگ مجرمانه به برخی از شهروندان که برای نخستین بار مرتکب هنجار کنی شده‌اند و به ویژه بیدار کردن حس مسئولیت‌پذیری در آنان، مشارکت جامعه‌ی مدنی و جبران خسارت وارد بر بزه دیدگان از اهم اهداف مجازات خدمات عمومی است به همین دلیل که در برخی کشورهای اروپایی و حتی آسیایی که در دهه‌های گذشته تخت‌های خالی در زندان را در اختیار داشته‌اند، توسل به مجازات‌های اجتماعی که خدمات عمومی از جمله‌ی آنهاست از اهمیت لازم برخوردار بوده است. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۵۵)

نکته‌ی دیگری که مطرح می‌شود این است که مطابق ماده ۱۸ مجازات تعزیری به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد و در ماده ۸۹ این قانون در مورد نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیر می‌شوند و سن آنان در زمان ارتکاب بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است یکی از مجازات‌هایی که در نظر گرفته شده است انجام خدمات عموم می‌باشد، بنابراین اقدام به خدمات عمومی به عنوان نوعی مجازات اصلی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پذیرفته شده است.

یک هدف اصلی خدمات عام المنفعه یا آنچه امید دستیابی به آن می‌رود بازیگ‌پارچگی اجتماعی مجرم است. به عبارتی مجرم با اعمال این مجازات قواعد زندگی در اجتماع را می‌آموزد، سعی در اصلاح رفتار گذشته خود دارد و با اصلاح مجرم هدف اجتماعی کردن مجرم محقق می‌شود. هدف کارهای عام المنفعه فراهم کردن مجازات اجتماعی ارزشمندی است که می‌تواند باعث اصلاح و درمان، و بازسازی اجتماعی مجدد محکوم علیه از طریق اجتناب از آثار سوء محکومیت شود. زیرا اجرای منظم و هدفمند همراه با مسئولیت یک کار رایگان و تضمین الزم جهت جبران خسارت و ترمیم آن به وسیله فرد آثاری جز اصلاح و درمان مجرم و جامعه ندارد. از طرفی خدمات عمومی به عنوان کیفر مستقل برای حبس بوده و آثار مخرب حبس را نداشته، بلکه آثار مثبتی در زمینه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به دنبال دارد که به مجرم نشان می‌دهد جامعه از مجرمیت او متأثر است و به او به عنوان یک عنصر سودمند و سازنده نگاه می‌کند. بنابراین می‌توان گفت: علاوه بر آثاری که این مجازات بر روح و روان مجرم دارد، بر پیکره اجتماع نیز اثرگذار است. با بازپذیری مجدد اجتماعی مجرم جامعه عضوی از اعضای خود را که ناکارآمد شده بود به دست می‌آورد و در چرخه تولید و کار در جامعه قرار

می‌دهد. به علاوه مجرم سعی در جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده دارد و از این طریق حسن نیت خود و قابلیت ورود مجدد به جامعه را نشان می‌دهد. (توسلی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷)

ب: جایگزین تکمیلی

مجازات تکمیلی همان‌گونه که از نام آن پیداست، کامل کننده و مکمل مجازات های اصلی هستند؛ یعنی در مواردی که قاضی فکر می‌کند مجازات اصلی پیش بینی شده در قانون برای مرتکب کافی نیست و با آن ها به تادیب مورد نیاز نمی‌رسد، می‌تواند حکم به مجازات‌های تکمیلی بدهد. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۵۵)

در قانون مجازات اسلامی، مجازات تکمیلی برای جرائم حدود، قصاص، دیه و جرائم تعزیری درجه یک تا شش در نظر گرفته شده بود اما پس از تصویب قانون کاهش حبس مجازات های تعزیری، عبارت «درجه یک تا شش» حذف و پس از آن مجازات برای تمامی درجات مجازات های تعزیری قابل استفاده می باشند و فرقی ندارند که جرم ارتكابی درجه یک با میزان سی سال حبس بوده و یا درجه هشت با میزان ۲ ماه حبس بوده در هر صورت قاضی اختیار در دادن مجازات تکمیلی دارد.

هم‌چنین در صدر ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی گفته شده است که باید متناسب با ویژگی مرتکب و مجرم و هم‌چنین منطبق با جرم ارتكابی باشد؛ برای مثال فردی که به دلیل رانندگی بدون گواهینامه به دیگری آسیب رسانده است و محکوم به دیه شده است را نمیتوان به ممنوعیت از صدور دسته چک به عنوان مجازات تکمیلی محکوم کرد چرا که رانندگی بدون گواهینامه ارتباطی به ممنوعیت از صدور دسته چک ندارد و با هم هم‌خوانی و همپوشانی ندارند بلکه له باید حکم به ممنوعیت از رانندگی برای مدت معین و یا الزام به یادگیری رانندگی به عنوان مجازات تکمیلی داد.

نکته دیگری که در خصوص مجازات های تکمیلی باید دقت داشته باشید آن است که مدت مجازات های تکمیلی در دستان قاضی است اما در هر حال از دو سال نمی‌تواند بیش‌تر باشد و قاضی تا دو سال اختیار در تعیین مدت مجازات های تکمیلی دارد.

مجازات خدمات عمومی رایگان در برخی از کشورها به عنوان مجازات تکمیلی نیز در نظر گرفته شده است، از جمله در کشور فرانسه قانون ۱۰ ژوئیه ۱۰۸۷ انجام یک کار عمومی عام المنفعه را با شرایط مواد (۸-۱۳۱-۲۲-۱۳۱) بعضی از جرایم ارتكابی علیه مقررات راهنمایی رانندگی (ماده ۱-۱ قانون راهنمایی رانندگی) به عنوان مجازات تکمیلی پیش بینی کرد. (بولک، ۱۳۸۷: ۱۵۰)

بر اساس نظام حقوقی فرانسه کیفر خدمات عام المنفعه می‌تواند به عنوان یک کیفر تکمیلی مد نظر قرار گیرد. بند ۲ ماده ۱۳۱-۱۷ مقرر می‌دارد: «مقرراتی که در باره ارتكاب جرم خلافی از طبقه پنجم وضع می‌شود، می‌تواند مجازات تکمیلی کار عام المنفعه از ۲۰ تا ۱۲۰ ساعت را نیز در نظر بگیرد». (آشوری، ۱۳۹۱: ۳۹۴)

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز مجازات خدمات عمومی به عنوان یک مجازات تکمیلی مطرح کرده است. مطابق ماده ۲۳ این قانون دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری تا درجه شش محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی زیر محکوم نماید و در بند دهم این ماده از الزام به خدمات عمومی نام برده است.

نکاتی که در این ماده می‌توان بدان اشاره کرد این است که طبق قانون مجازات اسلامی خدمات عمومی ۱۳۷۰ مجازات های تکمیلی فقط در مورد مجازات های تعزیری قابلیت اعمال داشتند حال آن‌که طبق ماده ۲۳ قانون جدید در سایر مجازات ها به استثناء دیات نیز دادگاه می‌تواند حکم به مجازات تکمیلی را صادر کند. بنابراین دادگاه می‌تواند فردی را که به مجازات حدی و یا قصاص محکوم شده است به عنوان مجازات تکمیلی به مجازات خدمات عمومی محکوم کند، این‌که این مجازات در کنار مجازاتی مانند قصاص تا چه میزان می‌تواند کارایی داشته باشد، خود جای سوال است به هر حال این ماده، به طور کلی به این نکته اشاره شده است که می‌توان این دو نوع مجازات را در کنار هم در حقوق ما دید.

نکته ی دیگر این‌که مطابق این ماده فقط در تعزیرات شدیدتر اعمال این مجازات وجود دارد نه در همه تعزیرات، به عبارتی مجازات‌های تکمیلی در تعزیرات صرفاً شامل (تعزیرات تا درجه ۶) می‌شوند، بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که فردی که به حبس کم‌تر از ۹۱ روز

جزای نقدی کم‌تر از بیست میلیون ریال و یا شلاق کم‌تر از سی ضربه و محرومیت از حقوق اجتماعی تا ۶ ماه محکوم شده به مجازاتی تکمیلی مانند خدمات عمومی محکوم می‌کنند و البته این با هدف مجازات‌هایی مانند خدمات عمومی ناسازگار است، شاید مصلحت فری در این باشد که در کنار مجازات‌هایی که گفته شد به مجازات‌هایی مانند خدمات عام المنفعه محکوم می‌کنند تا قواعد زندگی در اجتماع را از رهگذر اعمال این مجازات بهتر بیاموزد و بهتر بتواند او را با جامعه سازگار کرد و از وی یک انسان اجتماعی ساخت. (نجفی‌ابرنادادی، ۱۳۸۸: ۳۲)

مطابق تبصره ی این ماده: مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست مگر در مواردی که قانون نحوه ی دیگری را مقرر کرده باشد. بنابراین حداکثر مدتی که می‌توان مجازات خدمات عمومی را به عنوان یک مجازات تکمیلی مورد حکم قرار داد دو سال می‌باشد و بر ایای تبصره دو ماده مذکور: چنان‌چه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشند، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد. بنابراین چنان‌چه قاضی دادگاه مطابق ماده ۸۹ برای نوجوانی که مرتکب جرم تعزیر شده است، مجازات انجام خدمات عمومی رایگان را پیش‌بینی کند، نمی‌تواند به عنوان مجازات تکمیلی به همین مجازات برای او حکم کرده و ساعات کار رایگان وی را افزایش دهد. نکته ی آخر در این ماده آیین نامه راجع کیفیت اجرای مجازات تکمیلی مقرر در این قانون است که مطابق تبصره ۳ ماده ظرف ۶ ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون باید به تصویب رئیس قوه قضاییه برسد، که امید است با توجه به تجربه کشور های دیگر در زمینه مجازات خدمات عمومی بتوان از تمام ظرفیت های موجود استفاده کرد و به بهترین شکل ممکن سعی در اجرایی کردن این مجازات به عنوان یک مجازات تکمیلی نمود.

تعلیق همراه با کار عام المنفعه در اشکال مختلف

مورد دیگر استفاده از این تاسیس حقوقی جدید صدور حکم تعلیق مجازات توأم به یک کار عام المنفعه است که در حقوق فرانسه دیده می‌شود، این مجازات با قانون ۱۰ ژوئن ۱۹۸۳ که با تصویب نامه ۲۳ دسامبر ۱۹۸۳ تکمیل شد وارد نظام کیفری فرانسه شد. قانون مجازات جدید فرانسه این مجازات را در مواد ۵۴-۱۳۲ تا ۵۷-۱۳۲ حفظ کرده است. این جایگزین در واقع شکلی از نظام تعلیق توأم با آزمایش است که در قسمت اخیر آن، یعنی آزمایش به انجام یک کار عام المنفعه باز می‌گردد. زمان این کار حداقل ۴۰ و حداکثر ۲۴۰ ساعت است که بایستی در حداکثر ۱۸ ماه صورت و بدون مزد انجام بگیرد که به علت ارتکاب یک جنایت یا جنحه به زندان تادیبی تا ۵ سال محکوم شده باشند، تعلیق همراه با کار عام المنفعه ممکن است به دو شکل مورد حکم قرار گیرد.

الف: به عنوان مجازات اصلی

مثلاً در صورتی که شخص جرم‌هایی هم‌چون سرقت، کلاهبرداری تخریب عمدی، ترمذ نسبت به مأمورین دولتی و... را مرتکب شده باشد کار عام المنفعه به عنوان یک مجازات اصلی یا همانند یک تعهد خاص در قالب مجازات زندان جنحه ای همراه با تعلیق مورد حکم قرار می‌گیرد.

ب: به عنوان مجازات تکمیلی: در صورتی که شخصی به علت ارتکاب یک جنحه (رانندگی در حالت مستی، جنحه فرار و...) محکوم شده باشد و نیز در صورتی که مرتکب به علت بعضی خلاف‌ها محکوم شده باشد کار عام المنفعه به عنوان مجازات تکمیلی مورد حکم واقع می‌شود در حالت اخیر دادگاه خلاف این تصمیم را صادر می‌کند.

بر اساس ماده ی ۱۳۲-۵۴ رئیس دادگاه تنها در صورتی می‌تواند به مجازات کار عام المنفعه حکم دهد که متهم در دادگاه حضور داشته باشد و آن را رد نکرده باشد.

کارها و تعهداتی که باید در قالب کار عام المنفعه انجام شود عبارتند از: نگهداری و تعمیر اموال عمومی، بهبود محیط زیست، فعالیت‌های نگهداری، ترمیم خسارت‌های گوناگون، مشارکت در فعالیت‌های آموزشی در حوره های مختلف براساس قابلیت‌های محکومان در دوران تعلیق تکالیف خاصی که اقتضای کار کردن است به محکوم تحمیل می‌شود مانند آنکه محکوم باید معاینه‌های لازم

را برای کار و محیط مربوط به آن انجام رساند و به بیماری مسری مبتلا نباشد، در کنار تکالیف فوق جاری در دوران تعلیق نیز برای محکوم وجود دارد از جمله:

- پاسخ به احضاریه های قاضی اجرای مجازات؛
- اعلام تغییر اقامت گاه در جابه جایی و تغییر؛
- پذیرش ملاقات قاضی اجرا یا نماینده وی؛

- کسب اجازه قاضی اجرای جهت هر گونه مسافرت خارجه و... (نجنفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۳۲)؛

بنابراین دلیل موفقیت کار عام المنفعه در سایر کشور ها نرمش پذیری آن است. بدین معنا که نخست می تواند به عنوان ضمانت اجرای مستقل به کار گرفته شود و دوم این امکان برای دادگاه وجود دارد که آن را همراه با تدابیر سنتی جایگزین زندان مانند تعلیق و تعلیق مراقبتی همراه با سایر تدابیر، مورد حکم قرار دهد اما متأسفانه قانون مجازات اسلامی تنها به دو شکل تعلیق ساده و تعلیق مراقبتی اشاره کرده است و جای این نهاد یعنی تعلیق مراقبتی همراه با کار عام المنفعه در نظام حقوقی ایران خالی است.

جرائمی که خارج از شمول کار عام المنفعه است:

در این جا باید دید راسا چه افرادی از صدور این حکم به این مجازات در قانون مجازات ۱۳۹۲ منع شده اند؟ حکم مستقیمی که افراد خاصی را از این مجازات منع کند در قانون دیده نمی شود، ولی می توان از برخی از مواد قانون مجازات به طور غیر مستقیم ممنوعیت صدور حکم به این مجازات را در مورد گروهی از مجرمان استنباط کرد.

گروه اول: مجرمان سابقه دار هستند که از نظر قانون گذار ایرانی حق استفاده از حکم خدمات عمومی عنوان جایگزین مجازات زندان را ندارند و باید مستقیماً راهی زندان شوند، ماده ۶۶ این طور مقرر کرده است. که مرتکبین جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن ها نود و یک روز تا شش ماه حبس محکوم شوند مگر این که به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن تا پنج سال نگذشته باشد:

- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال یا شلاق تعزیر.

- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد و قصاص با پرداخت بیش از یک پنجم دیه.

همچنین بر اساس ماده ۶۷ مرتکبین جرایم عمدی که مجازات قانونی آن ها بیش از بیش ماه تا یک سال حبس است نیز از این حق در صورت وجود سابقه مطرح شده در بالا محروم اند.

گروه دوم: مجرمینی هستند که از متن قانون می توان محرومیت آن ها از حکم خدمات عام المنفعه را برداشت کرد مرتکبین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور هستند که بر اساس ماده ۷۱ از اعمال جایگزین زندان ممنوع دانسته شده اند. شاید یکی از دلایل این محرومیت خطرناک بودن این دسته مجرمان باشد و این که نمی توان از قانون گذار انتظار داشت این فرصت را به آن ها بدهد که آزادانه در جامعه زندگی کنند و در مورد آن ها حکم به کاری عام المنفعه کرده و از آن ها احترام به قوانین اجتماعی را خواستار شد. این دسته از مجرمان به دلیل خطرناکی برای امنیت کشور بهتر است به مجازاتی مانند زندان محکوم شوند تا جامعه از گزند آن ها محفوظ بماند.

گروه سوم: مجرمینی هستند که خارج از شمول مجازات کار عام المنفعه هستند مجرمانی اند که در مورد محکومیت آن ها می توان تعدد جرم را دید، مطابق ماده ۷۲ تعدد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آن ها بیش از شش ماه حبس باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس مانند خدمات عمومی است.

گروه آخر، مجرمانی هستند که در جرایم عمدی که مجازات قانونی آن ها بیش از یک سال حبس است از نهاد تخفیف مجازات استفاده کرده اند. بر طبق ماده ۷۳ قانون مجازات اسلامی: در جرایم عمدی که مجازات قانونی آن ها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کم تر از یک سال در دادگاه نمی تواند مجازات جایگزین حبس حکم کند. « شاید بتوان گفت علی رغم این امر، حکم قانون گذار این باشد که مجازات های جایگزین زندان را نوعی ارفاق و تخفیف به حال متهم در نظر گرفته است و در مواردی که از

نهاد تخفیف مجازات در جرمی استفاده کرده ارفاق مجدد به مجرم با حکمی مانند خدمات عام المنفعه نوعی تخفیف بر تخفیف مجازات است که منطقی به نظر نمی رسد.

نتیجه گیری

آنچه از جستجوی انجام شده به دست آمد عبارت از آن است که: مجازات های جایگزین بنا به دلایل زیر ساز و کاری مناسب به جای «زندان» و «حبس» می باشد. این مجازات در قوانین موضوعه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و آن را می توان با توجه به شخصیت مجرم به کار گرفت و به نحو احسن بهره گرفت. با اعمال مجازات های جایگزین، هم شخص مجرم متنبه شده و از کرده ی خود پشیمان می شود و در بازسازگاری و اجتماعی شدن وی تأثیر به سزایی دارد و هم ضرر و زیان متضرر از جرم تا حدودی جبران می کند و با اعمال این گونه از مجازات، تسلی خاطر وی حاصل می شود. یکی از انواع مجازات جایگزین حبس در نظام حقوقی ایران، کار و خدمات عام المنفعه می باشد. خدمات عام المنفعه یک فرصت است که، دادگاه به مجرم پیشنهاد می کند تا با انجام کاری به نفع جامعه، به جای حبس، در صدد جبران خطای ارتكابی برآید. خدمات اجتماع محور نه تنها فاقد خطرات و معایب حبس است، بلکه باعث ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی می شود. خدمات عمومی، خدماتی است که محکوم علیه بدون دریافت دستمزد به دستور دادگاه به نفع جامعه انجام می دهد. دادگاه با توجه به نوع جرم، سن، جنس، توانایی جسمانی، روانی و مهارت شخص حکم به انجام خدمات عمومی صادر می کند. «خدمات عمومی گرچه مجانی است، اما بیگاری نیست؛ زیرا با رضایت انجام می شود و باید در راستای اصلاح و بازپروری مجرم باشد. این خدمات باید به عموم ارائه شود و تجربه مفیدی در کشورهای مختلف بوده است. تعیین نوع خدمات عام المنفعه به پیشنهاد دادگاه و با رضایت و انتخاب شخص محکوم به حبس است. همچنین ساعات ارائه خدمات عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. برای صدور حکم کیفر خدمات عام المنفعه و انجام آن نیاز به همکاری همه جانبه جامعه، کارفرمایان، مؤسسات دولتی، هم چون شهرداری ها با دستگاه قضایی است. چون این کار باید برای جامعه انجام شود و هدف اصلاح و بازپروری و اجتماعی شدن نوجوانان بزهکار است؛ بنابراین شرایط، اصول و مقرراتی برای اجرای موفقیت آمیز آن نیاز می باشد. حکم به خدمات عمومی، محدودیت های جسمانی و روانی برای محکوم علیه در پی دارد. فلذا محکوم علیه نسبت به اجرای آن باید به طور دقیق آگاه و راضی باشد، در غیر این صورت امکان اصلاح و بازپروری نوجوان وجود ندارد یک هدف اصلی خدمات عام المنفعه یا آنچه امید دستیابی به آن می رود بازیک پارچگی اجتماعی مجرم است. به عبارتی مجرم با اعمال این مجازات قواعد زندگی در اجتماع را می آموزد، سعی در اصلاح رفتار گذشته خود دارد و با اصلاح مجرم هدف اجتماعی کردن مجرم محقق می شود. هدف کارهای عام المنفعه فراهم کردن مجازات اجتماعی ارزشمندی است که می تواند باعث اصلاح و درمان، و بازسازگاری اجتماعی مجدد محکوم علیه از طریق اجتناب از آثار سوء محکومیت شود. افرادی که به انجام خدمات عمومی محکوم می شوند، برای اجرای داوطلبانه ی آن در ساعت های مقرر، به یک مؤسسه ی عمومی (همانند مدرسه، بیمارستان، درمانگاه یا یک مکان عمومی مانند پارک ها) فرستاده می شوند. باید توجه داشت که محکومان بیش تر به انجام کار مورد نیاز گماشته می شوند، ولی برای انجام چنین کاری استخدام نمی شوند، بنابراین در نتیجه ی محکومیت به انجام خدمات عام المنفعه، شغلی عاید مجرم نمی شود.

منابع

قرآن کریم

- ابراهیمی، ابراهیم، پرونده شخصیت در فرایند کیفری ایران (مطالعه کاربردی)، چاپ اول، تهران انتشارت فکر سازان، ۱۳۸۹.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ پنجم پاییز، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- _____، حقوق جزای عمومی جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.
- آشوری، محمد، جایگزین های زندان و مجازات های بینابین، چاپ اول، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۲.
- _____، جایگزین های حبس یا مجازات های بینابین، تهران نشر گرایش، ۱۳۹۱.
- _____، جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر، چاپ اول، تهران، نشر، ۱۳۸۶.

- باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۰.
- بکاریا، سزار، رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- بیگی، جمال؛ بیگی، حسین، نگاهی به نهاد خدمات عمومی به مثابه جایگزین حبس نوجوانان بزهکار و چالش های اجرایی آن، فصلنامه تخصصی حقوق علم و وکالت، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۹۸.
- بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۷.
- تمجید نوجه ده، ف، تعلیق مجازات در حقوق جزای ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۱.
- توسلی، قاسمعلی؛ فرح بخش، مجتبی؛ رضانی، احمد، شناخت کارکردهای خدمات عام المنفعه در حقوق کیفری ایران، فصلنامه مطالعات میان رشته ای فقه، شماره ۱۱، ۱۴۰۱.
- جاوید، محمد جواد؛ شاهرادی، عصمت، تعهد رسانه در قبال شفافیت قضایی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره هفدهم، شماره ۴۷، ۱۳۹۴.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ سی و هشتم، تهران: گنج دانش، ۱۴۰۳.
- خالقی، ابوالفتح، کار به جای زندان، فصلنامه پژوهشی حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳، ۱۳۸۶.
- دانش، تاج‌زمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸.
- رضایی زاده، محمدجواد؛ کاظمی، داود، بازشناسی نظریه خدمات عمومی و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات حقوقی معاصر، شماره ۵، ۱۳۹۲.
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱.
- عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ابواب مقدمات التجاره، باب ۲۱، آل البیت، ۱۴۱۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، دفتر مطالعات تاریخ و معارف سلامی، ۱۳۷۹.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا؛ الوندی، مظفر، حقوق بشر در نظام کیفری و زندان ها، انتشارات راه و تربیت، ۱۳۸۲.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا؛ مقدادی، لیلا، تاریخ آیین دادرسی جنایی، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۵.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
- محمدزاده‌وادقانی، علیرضا، گفتاری در حقوق بین‌الملل مؤلف و حقوق مجاور، تهران: میزان، ۱۳۹۳.
- معین، محمد، فرهنگ لغت، چاپ سوم، نشر زرین، ۱۳۸۶.
- مقصودی مال امیری، ع، الش‌های مجازات های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت، ۱۳۹۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مجازات های جامعه مدار در لایحه قانونی مجازات های اجتماعی، مجموعه مقالات همایش راه کارهای کاهش جمعیت کیفر زندان، تهران انتشارات نشر میزان، ۱۳۸۶.
- _____، واریسی جایگزین مجازات جایگزین حبس، مجله حقوقی و قضایی، شماره ۳۳، ۱۳۸۸.
- نقارچی، م، مجازات خدمات عمومی رایگان (جایگزین حبس) در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، ۱۳۹۴.
- نیکبخت، سارا، کیفر شناسی. تحلیل آثار حبس بر زندانیان مطابق با قانون جدید آیین دادرسی کیفری، تهران کتاب، ۱۳۹۳.
- هلالی، ش، بررسی فقهی و حقوقی محکومیت به خدمات عام المنفعه، پایان نامه کارشناسی ارشد واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۶.

سایت (سخنرانی):

مکارم‌شیرازی، ناصر، ۱۳۷۸/۴/۲۳

صانعی، یوسف، ۱۳۷۶/۵/۲۸

فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۷۸/۴/۲۸

تبریزی، میرزا جواد، ۱۳۷۸/۴/۲۰

Examining the Theoretical Foundations of Community Service as an Alternative to Imprisonment

Fatemeh Dowlatshahi

Master's student in criminal law and criminology

fatemehdowlatshahi@gmail.com

Ali Arman

Assistant Professor, Department of Law, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran

sahel.ali84@yahoo.com

Hojatolah Gh Moniri

Department of Persian Language and Literature, Boroujerd Branch, Islamic Azad University,

Boroujerd, Iran

dr.h.moniri@gmail.com

Abstract

The current research under the title: "Theoretical foundations of community service as an alternative to prison punishment" aims to analyze and describe the positive features of "punishments" in addition to a detailed definition of "the concept of alternatives to imprisonment" and a brief description of the history of community service in Iran's criminal laws. "alternative" and analyze its benefits for the offender, the victim and the society, and in this way make the legislator - especially the traditional judges - consider the irreversible losses that prison sentences (especially short-term imprisonment) entail. , make the wrongdoer or the criminal subject to various forms of "public welfare" instead of "imprisonment" or "prison". What is obtained from this search shows that: free public services instead of imprisonment since 1392 AH. entered the judicial literature of Iran. In this type of punishment, which according to the law must be carried out with the consent of the criminal (in the choice of "work" or "imprisonment"), a person can pay for his crime by accepting a certain period of work at the community level, and while freeing himself from prison functions, for Self and society will also be fruitful. This research also shows that social punishments (= alternative punishments), while it can be an appropriate response in the present day, due to the increase in the population - and as a result the increase in the criminal population - not only prevented people from wasting their taxes. And to be profitable for the governments, to use the free services of criminals for the development of the society. Maintaining the human dignity of criminals (and not labeling them as prisoners) as well as aspects of work and skill training, and most importantly, prevention of physical and mental injuries of the criminal, which can bring more dangers to himself and the society in the future, are among the other advantages of "punishments". "social instead of imprisonment."

Keywords: replacement, community service, prison sentence, Iranian criminal law.